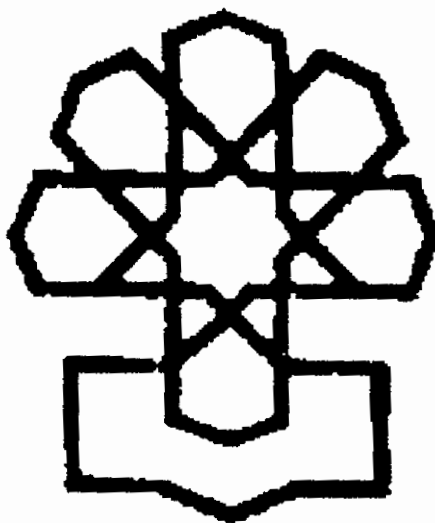




نکاتی چند در خصوص لایحه بودجه پیشنهادی دولت در
سال ۱۳۸۰ و برخی مقایسه‌ها با اعتبارات سال‌های ۱۳۷۸،
۱۳۷۹ جاری و عمرانی (ملی و استانی) و رشد سهم استان‌ها



کدموضوعی: ۱۶۰

شماره مسلسل: ۵۹۸۹

معاونت پژوهشی

بهمن ۱۳۷۹

کار: دفتر بودجه

دفتر امور زیربنایی

این گزارش بنا به درخواست جناب آقای علی امامی راد نماینده محترم

مجلس شورای اسلامی تهیه و تدوین گردیده است.

نکاتی چند در خصوص لایحه بودجه پیشنهادی دولت در سال ۱۳۸۰ و برخی مقایسه‌ها با اعتبارات سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۷۹ جاری و عمرانی (ملی و استانی) و رشد سهم استان‌ها

کدموضوعی: ۱۶۰

شماره مسلسل: ۵۹۸۹

پاسخ سؤال اول

گرچه بودجه‌ریزی در ایران از یک قرن پیش به سبک جدید آغاز شده است با این حال از تحول و خود تصحیح‌های مفید در مقابل تغییرات اقتصادی و اجتماعی جدید برخوردار نبوده است. در حالی که کشورهای در حال توسعه چندین مرحله از مراحل بودجه‌نویسی را پشت سر گذاشته‌اند، شیوه بودجه‌نویسی در ایران چندان تغییری نکرده است.^(۱)

پاسخ سؤال دوم

کل بودجه پیشنهادی دولت در سال ۱۳۸۰ معادل ۴۴۹/۴۰۵ میلیارد ریال بوده که نسبت به سال ۱۳۷۹ از رشدی معادل ۲۴/۶ درصد برخوردار بوده است اگر رقم تورم برآوردی امسال معادل ۱۷/۵ درصد را از آن کم کنیم رشد واقعی آن حدود ۷ درصد خواهد بود. (برای جزئیات بیشتر به مندرجات جداول در بخش دوم ضمایم مراجعه شود).

پاسخ سؤالات چهارم و پنجم

۱- میزان اعتبارات جاری استان لرستان در سال ۱۳۸۰ با رشد حدود ۲۲/۸ درصد از رقم ۶۱۰۳۸۱ میلیون ریال در سال ۱۳۷۹ به حدود ۷۴۹۳۵۴ میلیون ریال افزایش یافته است که این میزان رشد، در مقایسه با متوسط رشد اعتبارات جاری استانی ۱۹/۱ درصد نشانده رشد مناسب توجه بیشتر به استان لرستان است.

۲- میزان اعتبارات عمرانی استان لرستان با رشد ۸۲/۵ درصد از رقم ۱۳۹۴۳۴ میلیون ریال در

۱. برای جزئیات بیشتر به گزارش «تاریخچه، مبانی قانونی و ویژگی‌های بودجه‌ریزی دولتی در ایران...» در بخش اول ضمایم همین گزارش مراجعه شود.

سال ۱۳۷۹ به ۲۵۴۵۰۷ میلیون ریال در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است که این میزان رشد در مقایسه با متوسط رشد اعتبارات عمرانی استانی (۳/۷۵ درصد) حاکی از رشد و توجه بیشتر به استان می‌باشد. (جدول شماره ۵)

۳- سهم بودجه استان لرستان از اعتبارات جاری استانی در سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به ترتیب ۲/۸۳، ۲/۸۶ و ۲/۹۵ درصد بوده است که بیانگر رشد ۴ درصدی در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۸ می‌باشد.

۴- سهم اعتبارات عمرانی استان از ۳/۲۴ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۳/۶۱ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است که رشد ۱۱ درصدی را نشان می‌دهد. بیشترین سهم از اعتبارات عمرانی استانی در سال مذکور مربوط به استان خراسان و کمترین آن مربوط به استان قزوین می‌باشد.

۵- سهم استان لرستان از کل درآمدهای استانی در سال ۱۳۷۸، ۱/۲۵، در سال ۱۳۷۹، ۱/۲۹ و در سال ۱۳۸۰، ۱/۳۵ درصد می‌باشد از طرف دیگر سهم استان از کل درآمدهای ملی استانی از ۴/۲۱ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۴/۱۴ درصد در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته است.

۶- با توجه به ارقام فوق رشد درآمدهای استانی استان لرستان در لایحه بودجه ۱۳۸۰ حدود ۲۹/۴ می‌باشد که از متوسط رشد کشور بیشتر است. همچنین رشد درآمدهای ملی استانی نیز از متوسط کشور بالاتر بوده و به مقدار ۳۴/۸ درصد رسیده است.

۷- (برای جزئیات بیشتر به مندرجان جداول بخش سوم گزارش مراجعه شود)

بخش سوم: اطلاعات مربوط به سؤال‌های چهارم و پنجم

جدول ۵- «اعتبارات عمرانی استانی» (ارقام به هزار ریال)

استان	عمرانی ۱۳۷۸	سهم	عمرانی ۱۳۷۹	سهم	عمرانی ۱۳۸۰	سهم
مرکزی	۷۳,۰۹۸,۰۰۰	۲/۲۳	۸۹,۸۰۲,۰۰۰	۲/۲۳	۲۰۳,۲۰۶,۰۰۰	۲/۸۸
گیلان	۱۰۹,۰۵۳,۰۰۰	۳/۳۲	۱۳۷,۴۲۶,۰۰۰	۳/۴۱	۲۳۶,۱۱۱,۰۰۰	۳/۳۵
مازندران	۱۳۲,۱۹۵,۰۰۰	۴/۰۳	۱۶۵,۹۷۷,۰۰۰	۴/۱۲	۲۹۰,۴۲۹,۰۰۰	۴/۱۲
آذربایجان شرقی	۱۶۸,۵۷۹,۰۰۰	۵/۱۴	۲۰۹,۰۸۲,۰۰۰	۵/۱۹	۳۳۱,۲۹۲,۰۰۰	۴/۶۹
آذربایجان غربی	۱۲۶,۶۱۹,۰۰۰	۳/۸۶	۱۶۳,۳۳۱,۰۰۰	۴/۰۶	۲۳۹,۰۵۹,۰۰۰	۳/۳۹
کرمانشاه	۱۴۰,۸۲۵,۰۰۰	۴/۲۹	۱۸۰,۳۸۹,۰۰۰	۴/۲۸	۳۲۶,۳۰۱,۰۰۰	۴/۶۲
خوزستان	۳۴۰,۴۹۳,۰۰۰	۱۰/۳۸	۳۱۱,۴۶۹,۰۰۰	۷/۷۴	۵۴۶,۱۷۰,۰۰۰	۷/۷۴
فارس	۱۹۳,۴۶۹,۰۰۰	۵/۹۰	۲۳۷,۲۱۹,۰۰۰	۵/۸۹	۴۸۸,۹۰۴,۰۰۰	۶/۶۴
کرمان	۱۳۱,۲۱۰,۰۰۰	۴/۰۰	۱۶۶,۰۶۸,۰۰۰	۴/۱۳	۲۸۵,۹۶۰,۰۰۰	۴/۰۵
خراسان	۲۶۷,۶۰۲,۰۰۰	۸/۱۶	۳۲۴,۱۸۲,۰۰۰	۸/۰۵	۵۹۶,۹۷۰,۰۰۰	۸/۴۶
اصفهان	۱۴۸,۹۸۷,۰۰۰	۴/۵۴	۱۷۷,۴۹۱,۰۰۰	۴/۴۱	۳۲۷,۳۷۲,۰۰۰	۴/۶۴
هرمزگان	۹۵,۱۰۱,۰۰۰	۲/۹۰	۱۲۶,۲۶۵,۰۰۰	۳/۱۴	۱۷۶,۴۶۳,۰۰۰	۲/۵۰
سیستان و بلوچستان	۱۵۳,۴۷۶,۰۰۰	۴/۶۸	۲۰۷,۱۴۴,۰۰۰	۵/۱۵	۳۱۶,۲۵۰,۰۰۰	۴/۴۸
کردستان	۱۱۶,۵۶۱,۰۰۰	۳/۵۵	۱۵۳,۰۱۴,۰۰۰	۳/۸۰	۲۴۹,۲۲۹,۰۰۰	۳/۵۳
همدان	۸۲,۷۵۰,۰۰۰	۲/۵۲	۱۰۷,۰۴۴,۰۰۰	۲/۶۶	۱۷۷,۹۶۶,۰۰۰	۲/۵۲
لرستان	۱۰۶,۱۵۹,۰۰۰	۳/۲۴	۱۳۹,۴۳۴,۰۰۰	۳/۴۶	۲۵۴,۵۰۷,۰۰۰	۳/۶۱
ایلام	۶۸,۸۷۹,۰۰۰	۲/۱۰	۸۸,۲۶۳,۰۰۰	۲/۱۹	۱۸۰,۴۳۰,۰۰۰	۲/۵۶
زنجان	۶۹,۳۳۴,۰۰۰	۲/۱۱	۸۸,۲۵۰,۰۰۰	۲/۱۹	۱۳۳,۸۰۴,۰۰۰	۱/۹۰
چهارمحال و بختیاری	۷۱,۱۳۴,۰۰۰	۲/۱۷	۸۹,۱۴۰,۰۰۰	۲/۲۱	۱۶۱,۷۴۷,۰۰۰	۲/۲۹
کهگیلویه و بویراحمد	۷۳,۳۶۳,۰۰۰	۲/۲۴	۹۷,۱۶۸,۰۰۰	۲/۴۱	۱۷۲,۷۶۲,۰۰۰	۲/۴۵
سمنان	۴۳,۹۰۲,۰۰۰	۱/۳۴	۵۴,۵۹۸,۰۰۰	۱/۳۶	۱۱۳,۸۰۲,۰۰۰	۱/۶۱
یزد	۴۶,۰۹۳,۰۰۰	۱/۴۱	۵۵,۹۳۸,۰۰۰	۱/۳۹	۱۰۱,۵۱۲,۰۰۰	۱/۴۴
بوشهر	۷۱,۹۱۲,۰۰۰	۲/۱۹	۹۳,۲۳۲,۰۰۰	۲/۳۲	۲۱۸,۱۲۰,۰۰۰	۳/۰۹
اردبیل	۸۰,۰۳۸,۰۰۰	۲/۴۴	۱۰۴,۶۶۵,۰۰۰	۲/۶۰	۱۹۰,۱۹۰,۰۰۰	۲/۷۰
قم	۳۴,۹۹۳,۰۰۰	۱/۰۷	۴۵,۱۷۴,۰۰۰	۱/۱۲	۸۴,۹۶۹,۰۰۰	۱/۲۰
تهران	۲۱۴,۵۷۶,۰۰۰	۶/۵۴	۲۵۸,۳۹۵,۰۰۰	۶/۴۲	۴۰۳,۳۸۵,۰۰۰	۵/۷۱
قزوین	۴۷,۱۶۵,۰۰۰	۱/۴۴	۶۱,۰۵۷,۰۰۰	۱/۵۲	۱۰۷,۳۷۴,۰۰۰	۱/۵۲
گلستان	۷۲,۴۴۴,۰۰۰	۲/۲۱	۹۳,۷۳۳,۰۰۰	۲/۳۳	۱۶۲,۸۱۶,۰۰۰	۲/۳۱
جمع	۳,۳۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۰	۴,۰۲۴,۷۵۰,۰۰۰	۱۰۰	۷,۰۵۷,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۰

(ارقام به هزار ریال)

جدول ۶- «اعتبارات جاری استانی»

استان	جاری ۱۳۷۸	سهم	جاری ۱۳۷۹	سهم	جاری ۱۳۸۰	سهم
مرکزی	۳۶۲,۷۱۸,۶۹۷	۲/۳۴	۴۷۰,۵۱۶,۱۹۵	۲/۲۱	۴۹۲,۳۲۲,۹۷۳	۱/۹۴
گیلان	۶۲۰,۹۴۴,۸۷۶	۴/۰۱	۸۵۶,۷۱۶,۱۱۷	۴/۰۲	۱,۰۴۸,۲۸۷,۱۹۱	۴/۱۳
مازندران	۷۷۰,۷۳۶,۶۰۲	۴/۹۸	۱,۰۶۳,۴۲۱,۲۹۸	۴/۹۹	۱,۳۰۰,۵۴۷,۴۳۵	۵/۱۲
آذربایجان شرقی	۷۳۹,۱۲۹,۲۳۴	۴/۷۷	۱,۰۴۳,۳۷۷,۰۹۴	۴/۹۰	۱,۲۲۳,۲۳۳,۲۳۵	۴/۸۲
آذربایجان غربی	۵۷۸,۳۴۷,۳۶۶	۳/۷۴	۷۹۷,۴۷۱,۲۷۵	۳/۷۴	۹۹۳,۰۷۶,۸۸۰	۳/۹۱
کرمانشاه	۴۷۰,۶۹۱,۵۱۲	۳/۰۴	۶۶۱,۰۵۴,۶۸۰	۳/۱۰	۸۲۲,۵۴۳,۵۴۷	۳/۲۴
خوزستان	۹۵۵,۰۰۷,۵۸۸	۶/۱۷	۱,۲۵۷,۰۰۱,۳۹۳	۵/۹۰	۱,۴۷۱,۶۶۱,۷۱۹	۵/۸۰
فارس	۱,۰۶۰,۰۴۰,۶۶۸	۶/۸۵	۱,۴۶۸,۶۲۸,۴۰۲	۶/۸۹	۱,۷۷۷,۴۰۵,۵۷۵	۷/۰۰
کرمان	۶۷۳,۵۹۴,۱۲۵	۴/۳۵	۹۱۶,۵۷۵,۲۷۲	۴/۳۰	۱,۰۸۲,۱۴۱,۴۲۰	۴/۲۶
خراسان	۱,۵۷۱,۰۷۴,۲۲۴	۱۰/۱۵	۲,۱۶۹,۳۰۰,۲۶۳	۱۰/۱۸	۲,۷۱۱,۹۰۸,۷۰۵	۱۰/۶۸
اصفهان	۱,۰۷۵,۹۲۲,۰۸۲	۶/۹۵	۱,۴۲۹,۷۰۴,۲۲۴	۶/۷۱	۱,۵۹۴,۴۹۸,۱۴۸	۶/۲۸
هرمزگان	۲۷۰,۵۰۶,۶۲۸	۱/۷۵	۳۷۳,۱۱۴,۱۰۸	۱/۷۵	۴۷۵,۶۸۶,۴۱۲	۱/۸۷
سیستان و بلوچستان	۳۷۹,۵۶۳,۸۴۸	۲/۴۵	۵۳۳,۷۸۵,۹۴۳	۲/۵۰	۶۵۷,۸۹۴,۱۶۵	۲/۵۹
کردستان	۳۲۶,۰۷۹,۲۹۸	۲/۱۱	۴۶۸,۶۸۷,۳۱۳	۲/۲۰	۵۷۶,۵۱۸,۶۱۵	۲/۲۷
همدان	۴۱۳,۳۳۴,۱۰۸	۲/۶۷	۵۷۱,۴۰۵,۱۹۶	۲/۶۸	۷۲۰,۴۴۷,۷۰۵	۲/۸۴
لرستان	۴۳۸,۰۲۵,۶۳۶	۲/۸۳	۶۱۰,۳۸۱,۰۵۳	۲/۸۶	۷۴۹,۳۵۳,۸۵۴	۲/۹۵
ایلام	۱۹۸,۳۵۶,۱۲۱	۱/۲۸	۲۷۹,۱۸۸,۴۲۳	۱/۳۱	۳۴۴,۵۸۶,۸۶۹	۱/۳۶
زنجان	۲۲۷,۹۱۵,۲۷۵	۱/۴۷	۳۲۸,۹۱۶,۲۷۴	۱/۵۴	۳۹۲,۲۶۳,۸۲۲	۱/۵۵
چهارمحال و بختیاری	۲۳۸,۱۴۵,۸۱۶	۱/۵۴	۳۳۹,۰۳۳,۲۰۹	۱/۵۹	۴۱۸,۸۶۰,۹۳۱	۱/۶۵
کهگیلویه و بویراحمد	۲۱۵,۳۵۰,۰۰۰	۱/۳۹	۲۹۹,۶۹۲,۶۶۱	۱/۴۱	۳۷۸,۹۶۵,۴۸۵	۱/۴۹
سمنان	۱۸۹,۷۵۲,۳۳۹	۱/۲۳	۲۶۲,۵۷۴,۲۸۲	۱/۲۳	۳۲۲,۷۱۰,۲۵۵	۱/۲۷
یزد	۲۷۳,۹۷۸,۸۳۳	۱/۷۷	۳۸۵,۹۳۱,۶۲۵	۱/۸۱	۴۵۸,۴۴۲,۰۸۴	۱/۸۱
بوشهر	۲۵۲,۵۲۸,۷۸۴	۱/۶۳	۳۵۶,۲۱۰,۷۹۸	۱/۶۷	۴۳۸,۱۹۱,۹۹۲	۱/۷۳
اردبیل	۲۸۳,۷۵۱,۶۶۸	۱/۸۳	۴۰۸,۳۳۵,۷۰۱	۱/۹۲	۴۹۵,۵۸۶,۱۸۰	۱/۹۵
قم	۱۸۸,۹۱۲,۰۱۸	۱/۲۲	۲۶۸,۸۸۸,۱۳۳	۱/۲۶	۳۴۰,۴۵۲,۹۲۷	۱/۳۴
تهران	۲,۱۰۳,۳۰۴,۰۱۹	۱۳/۵۹	۲,۸۵۷,۷۵۲,۷۴۱	۱۳/۴۱	۳,۰۷۴,۸۶۰,۱۷۶	۱۳/۱۱
قزوین	۲۴۰,۹۲۹,۹۳۳	۱/۵۶	۳۱۸,۹۰۰,۶۱۵	۱/۵۰	۳۷۲,۳۱۷,۷۳۶	۱/۴۷
گلستان	۳۶۱,۷۴۹,۵۴۲	۲/۳۴	۵۱۴,۷۶۲,۹۱۲	۲/۴۲	۶۴۷,۱۶۷,۴۰۴	۲/۵۵
جمع	۱۵,۴۸۰,۳۹۰,۸۴۰	۱۰۰	۲۱۳۱۱۳۲۷۲۰۰	۱۰۰	۲۵,۳۸۲,۱۸۳,۴۴۰	۱۰۰

جدول ۷- تصویر مقایسه‌ای اعتبارات جاری و عمرانی ملی و استانی سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰
 «موضوع سؤال ۷» «وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی وابسته، بدون محاسبات بودجه

و اعتبارات شرکت‌های دولتی» (ارقام به میلیارد ریال)

درصد رشد	سال ۱۳۸۰			سال ۱۳۷۹			اعتبارات مصوب ۱۳۷۹ و پیشنهادی لایحه ۱۳۸۰
	جمع	اعتبارات استانی (جاری و عمرانی)	اعتبارات ملی (جاری و عمرانی)	جمع	اعتبارات استانی (جاری و عمرانی)	اعتبارات ملی (جاری و عمرانی)	
$\frac{80}{14}$	۴۴۹۱/۶	۳۴۷/۴	۴۱۴۴/۲	۳۹۱۳/۸	۲۸۸/۲	۳۶۲۵/۶	عناوین فصول امور اقتصادی و اجتماعی
۱۴/۱ درصد					*		فصل دوم: منابع آب «امور اقتصادی»
۷۹/۹ درصد	۱۰۲۸/۶	-	۱۰۲۸/۶	۵۷۱/۹	-	۵۷۱/۹	فصل سوم: برق «امور اقتصادی»
-	۱۳۵/۳	-	۱۳۵/۳	۱۳۵/۳	-	۱۳۵/۳	فصل پنجم: نفت و گاز «امور اقتصادی»
۱۸/۰ درصد	۱۱۶۵/۵	-	۱۱۶۵/۵	۹۸۷/۰	-	۹۸۷/۰	فصل دوازدهم: علوم و فنون هسته‌ای «امور اقتصادی»
	*	*		۱۴۲/۳	۱۴۲/۳		فصل هفتم: عمران و نوسازی روستاها «امور اجتماعی» برنامه: تأمین برق روستاها

* توضیح این که: اعتبارات استانی سال ۱۳۸۰ در لایحه بودجه در قالب فصل دستگاه پیشنهاد شده است و تا قبل از تصویب و ابلاغ شورای مدیریت و برنامه ریزی استفاده، ترکیب و تفکیک برنامه‌ای آن مستند نمی‌باشد. لذا برای برنامه تأمین برق روستاها در سال ۱۳۸۰ رقم منظور نشده است و اعتبار مورد نظر بخشی از اعتبارات استانی وزارت جهاد کشاورزی از فصل عمران و نوسازی روستاها می‌باشد.

پیوست:

اطلاعات تفصیلی در مورد سؤالات اول، دوم، سوم،

چهارم و پنجم

نکات برجسته

* بودجه نویسی به شیوه جدید از سال ۱۲۸۹ شمسی در ایران آغاز شده است. قبل از این تاریخ هریک از ایالات و ولایات یک مستوفی در پایتخت داشتند. هریک از مستوفیان کتابچه دخل و خرج (درآمد و مخارج) مربوط به منطقه مربوط به خود را که شامل درآمدها و مخارج نقدی و جنسی بود فراهم می کردند.

* اولین بودجه ای که برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم شد بودجه ای بود که در سال ۱۲۸۹ شمسی به اهتمام صنایع الدوله تهیه شده بود.

* در سال ۱۲۸۹ شمسی قانون محاسبات عمومی به تصویب رسید. در این قانون تعریف بودجه، اصطلاحات مالی، فرآیند تهیه و تصویب بودجه، قواعد ناظر بر جمع آوری درآمدها و انجام مخارج، نحوه ارائه گزارش از عملکرد بودجه به مجلس و دیوان محاسبات مشخص شد.

* قوانین بودجه تا سال ۱۳۲۷ توسط وزارت دارایی تهیه می شد. در این سال وظیفه تهیه لوایح بودجه عمرانی به سازمان برنامه و بودجه که برای تهیه و اجرای برنامه های توسعه اقتصادی در سال ۱۳۲۷ تشکیل شده بود واگذار گردید. لکن بودجه جاری کماکان توسط وزارت دارایی تهیه می شد و امر نظارت بر بودجه نیز به عهده این وزارتخانه بود.

* از سال ۱۳۴۳ وظیفه تهیه بودجه کلاً به سازمان برنامه و بودجه منتقل شد. وظیفه سازمان برنامه در امر تهیه بودجه و اعمال بعضی از نظارت ها بر اجرای آن با تصویب قانون برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۱ تثبیت شد.

* در اقدام دیگری با تصویب قانون محاسبات عمومی سال ۱۳۴۹ نظارت مالی وزارت دارایی بر بودجه از طریق وظایف ذی حساب ها همچنان برای وزارتخانه مزبور تثبیت شد.

* این جدایی در اجرا و نظارت بر بودجه بین دو دستگاه مختلف یکی وزارت دارایی (فعالاً وزارت امور اقتصادی و دارایی) و دیگری سازمان برنامه و بودجه که به دلیل کشمکش‌های سیاسی و اداری انجام شد طی سال‌های متمادی یکی از زمینه‌های مشکل‌زا در امر تدوین، اجرا و نظارت بر بودجه بوده و ترمیم‌های جزئی قانونی که بعداً انجام شده نیز مشکل را حل نکرده است.

* نقش ذی‌حساب‌ها در امر اجرای بودجه پیوسته یک عامل مهم بحث در دستگاه‌های دولتی بوده است و مسائل قابل ملاحظه‌ای بین مدیران اجرایی و ذی‌حساب‌ها یا وزارت اقتصاد و دارایی ایجاد کرده است.

* نظام بودجه‌ریزی کشور براساس قوانین زیر بنا شده و فعالیت می‌کند:

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛

۲- قانون محاسبات عمومی؛

۳- قانون دیوان محاسبات؛

۴- قانون برنامه و بودجه.

* بودجه کل کشور در جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱- بودجه عمومی و اختصاصی؛

۲- بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات وابسته به دولت.

* بودجه عمومی و اختصاصی شامل کلیه دریافت‌ها و پرداخت‌های وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی است. درآمدهای بودجه عمومی و اختصاصی در هفت گروه عمده به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- درآمدهای مالیاتی؛

۲- درآمد نفت و گاز؛

۳- درآمدهای حاصل از انحصارات و مالکیت دولت؛

۴- درآمدهای حاصل از خدمات و فروش کالا؛

- ۵- حق بیمه، کمک‌های دریافتی، درآمدهای انتقالی و متفرقه؛
- ۶- اصل و بهره وام‌ها و سود حاصل از سرمایه‌گذاری دولت در داخل و خارج از کشور؛
- ۷- سایر منابع تأمین اعتبار.
- * هریک از گروه‌های درآمدی به ردیف‌های متعددی تفکیک می‌شود. هریک از این ردیف‌ها به یک درآمد مشخص اختصاص دارد. بعضی از ردیف‌های درآمدی به دو بخش عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شوند.
- بخش درآمدهای اختصاصی که درصد کوچکی از درآمدها را تشکیل می‌دهد به انجام مخارج مشخصی اختصاص می‌یابد.
- مسئولیت کسب درآمد مربوط به هریک از این ردیف‌ها به عهده یکی از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها یا مؤسسات دولتی واگذار شده است.
- * مخارج بودجه عمومی و اختصاصی به دو گروه عمده جاری و عمرانی تقسیم می‌شود.
- بودجه‌های جاری و عمرانی هرکدام به چندگروه عمده تقسیم می‌شوند. در هریک از این گروه‌ها طیف وسیعی از فعالیت‌های دولت طبقه‌بندی شده است. این گروه‌ها را در اصطلاح امور می‌گویند.
- * هریک از امور به چند «فصل» و هر فصل به چند «برنامه» تقسیم می‌شود. هریک از برنامه‌ها برای انجام یک فعالیت مشخص تعریف شده است.
- * بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی وابسته به دولت شامل دو بخش منابع و مصارف است.
- * نقش بودجه در اداره امور کشور فراتر از تعیین سقف اعتبارات است.
- * تبصره‌هایی که همراه بودجه به تصویب می‌رسند نقش مهمی در ارائه اختیارات قانونی به قوه مجریه ایفا می‌نمایند.
- * تبصره‌ها در بسیاری از موارد نحوه هزینه‌کردن و اعتبارات بودجه توسط دستگاه‌های

اجرائی را تعیین می‌کنند و در این امر به تدریج تبعیض قابل ملاحظه‌ای در اختیارات و در نتیجه قدرت دستگاه‌های مختلف در امر هزینه‌کردن ایجاد کرده‌اند. این اختیارات بعضاً در خلاف جهت همان اصولی است که قوانین عمده مالی کشور بر مبنای آن تنظیم شده‌اند.

* تعداد تبصره‌های بودجه طی سال‌های مختلف پیوسته افزایش یافته و به حد مشکل‌زایی رسید. همین امر سبب شد که طی سال‌های اخیر (از ۱۳۷۱ به بعد) توجه خاصی به کاهش تبصره‌ها مبذول گردد.

* یک لایحه یا قانون بودجه سنواتی علاوه بر این که به امور خاص سیاست‌گذاری سالانه می‌پردازد، عامل اجرای سیاست‌های بلندمدت نظام نیز محسوب می‌شود.

* بررسی قوانین بودجه همچنین ضعف‌های سیاست‌گذاری کلان را نیز مشخص می‌کند.

* در امر بودجه‌نویسی در ایران عملاً در این زمینه همیشه دو دسته اشکال یا استثنا ظاهر می‌شده است. یک دسته از اشکالات مربوط به حذف یا از قلم افتادن بایدهای مالی از بودجه است و دسته دوم اشکالات را می‌توان مربوط به ورود و دخیل شدن بعضی نبایدها در چارچوب بودجه‌های سالانه دانست.

* یکی از اثرات اقتصادی غیرمستقیم بودجه اثر آن بر فعالیت بخش خصوصی است.

* در حال حاضر تدوین قوانین خاص برای رفع مشکلات شرکت‌های دولتی و سایر مؤسساتی که در آنها اخذ منابع از مردم و هزینه‌کردن آنها مطرح می‌شود امری ضروری است.

* در کشور ما بودجه و بودجه‌ریزی به مرور وارد قلمروهایی شده است که اصالتاً به امر سیاست‌گذاری مالی مربوط نمی‌شود.

* کسر بودجه‌های آشکار و پنهان از طریق بسط پایه پولی تأمین می‌شده و این عامل دلیل عمده تورمی بودن بودجه طی سال‌های مختلف بوده است.

* در سال ۱۳۰۷، وزارتخانه‌های صنایع و معادن و تجارت (بازرگانی) و فلاح (کشاورزی) از اعتبارات بودجه عمومی سهمی نداشته‌اند و سهم وزارتخانه‌های طرق و فواید عامه (راه) و صحیه (بهداری) در مجموع حدود ۲/۲ درصد کل بودجه بوده است. در سال ۱۳۰۷ معادل ۴۰/۷ درصد بودجه عمومی دولت به وزارت جنگ و ۲۲/۲ درصد آن به وزارت مالیه (دارایی) تعلق داشته است.

* طی سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ کل مخارج بودجه عمومی به‌طور متوسط سالانه ۱۸/۷ درصد افزایش یافته و همراه با آن بودجه تمام وزارتخانه‌ها نیز روندی روبه صعود داشته است.

* در سال ۱۳۱۷ سهم وزارتخانه‌های جنگ، صنایع و معادن، طرق و فواید عامه و مالیه از بودجه عمومی به ترتیب برابر ۲۶/۴ درصد، ۲۰/۶ درصد، ۱۰/۵ درصد و ۱۸ درصد بوده است.

* روند تغییرات ترکیب بودجه در این دوره، حاکی از افزایش توجه دولت به توسعه صنعت و امکانات زیربنایی در آن زمان بوده است.

* طی سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۷ در سال‌های اولیه این دوره روند تغییرات ترکیب بودجه میان وزارتخانه‌ها مانند دهه ۱۳۰۷-۱۳۱۷ ادامه می‌یابد.

* در سال ۱۳۲۰ وزارت جنگ ۱۴/۲ درصد، وزارت داخله عمومی ۲/۹ درصد، وزارت صنایع و معادن ۲۳/۹ درصد و وزارت طرق و فواید عامه ۲۶/۲ درصد از اعتبارات را به خود اختصاص داده‌اند.

* طی سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۴۲ کشور با چندین بحران سیاسی و مالی روبه‌رو می‌شود که عمدتاً ریشه در جریان ملی شدن نفت دارند.

* از سال ۱۳۲۱ در اثر درگیر شدن کشور در حوادث جنگ جهانی دوم روند تغییرات ترکیب بودجه عمومی دگرگون می‌شود.

* در سال ۱۳۲۷ سهم وزارتخانه‌های جنگ، کشور، معارف و مالیه از بودجه عمومی به

ترتیب برابر ۲۸/۳ درصد، ۱۶/۷ درصد، ۱۱/۶ درصد و ۲۰ درصد بوده است.
* در ابتدای دوره حدود ۸۵ درصد از درآمدهای ارزی ایران و حدود ۴۰ درصد از بودجه عادی کشور از عواید نفت تأمین می‌شد.

* در سال ۱۳۲۷ درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت معادل ۵۳۵/۶ میلیون دلار بود این رقم در سال ۱۳۳۰ به ۲۱۲/۲ میلیون دلار و در سال ۱۳۳۲ به ۲/۷ میلیون دلار یعنی در حد صفر تقلیل یافت.

* مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی دولت طی سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۴۲ برای مقابله با بحران عبارت بودند از:

۱- محدود کردن واردات و تشویق صادرات غیرنفتی؛

۲- تثبیت بهای مایحتاج عمومی؛

۳- برقراری مالیات‌های جدید بر دخانیات و اتومبیل‌های وارداتی؛

۴- انتشار اوراق قرضه ملی؛

۵- تقلیل میزان پشتوانه اسکناس برای تأمین هزینه‌های دولت (رشد حجم پول)؛

۶- تقلیل هزینه‌های جاری دولت و متوقف ساختن اغلب طرح‌های عمرانی.

* هزینه‌های بودجه عمومی از ۶۶/۹ میلیارد ریال، در سال ۱۳۴۲ به ۲۴۹۲/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ بالغ گردیده و طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۶۷ مخارج عمومی دولت به سرعت افزایش می‌یابد و به ۴۲۱۰/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ می‌رسد.

* در طول برنامه اول یعنی در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲ و پس از آن مخارج بودجه عمومی با رشد سریع‌تری افزایش می‌یابد و در سال ۱۳۷۴ به ۴۱۹۶۲ میلیارد ریال بالغ می‌گردد. این افزایش سریع عمدتاً ناشی از تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها است.

* از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۲ مخارج جاری و عمرانی و در نتیجه کل هزینه‌های عمومی به قیمت ثابت با آهنگ به نسبت سریعی افزایش یافت. اما از سال ۱۳۷۳ آهنگ رشد هزینه‌ها آهسته‌تر شده است.

* مدیریت پروژه‌های عمرانی بایستی به گونه‌ای صورت گیرد که طول زمان اجرای پروژه‌ها به حداقل ممکن تقلیل یابد.

بودجه نویسی به شیوه جدید از سال ۱۲۸۹ شمسی در ایران آغاز شده است. قبل از این تاریخ هر یک از ایالات و ولایات یک مستوفی در پایتخت داشتند. هر یک از مستوفیان کتابچه دخل و خرج (درآمد و مخارج) مربوط به منطقه مربوط به خود را که شامل درآمدها و مخارج نقدی و جنسی بود فراهم می کردند. این کتابچه ها پس از تصویب مقامات ذی صلاح به امضای شاه می رسید و سپس برای اجرا به حکام ایالات و ولایات ابلاغ می شد. اسناد تاریخی موجود نشان می دهند که با استفاده از کتابچه های دخل و خرج مربوط به مناطق مختلف یک کتابچه دخل و خرج برای کل کشور تهیه می شده است. نمونه کاملی از این کتابچه که در زمان محمداشاه قاجار در سال ۱۲۱۸ شمسی تهیه شده در دست است.

در این زمان بودجه به عنوان ابزار سیاست اقتصادی یا ارائه خدمات اجتماعی به مردم تلقی نمی شده است، بلکه صورت منابع درآمدی برای تأمین مالی حکومت دربار و اشراف بوده است. چنانکه حتی ارتباط مشخصی بین پرداخت از منابع درآمد دولت با فعالیت خاصی مطرح نبوده و بسیاری از افراد از منابع دولت حقوق و مواجب دریافت می کرده اند بدون این که کاری انجام دهند. بسیاری از افراد نیز که مستخدم دولت بوده اند حقوق دریافت نمی کرده اند بلکه از محل «مداخل» یا جوهی که به زور (مانند نظمی و قشون مأموران مالیات) با ایجاد مزاحمت در راه پیشبرد امور (مانند بلدیة، راهداری، گمرک و مانند آن) یا به التماس و تکدی از مردم می گرفتند زندگی خود را تأمین می کرده اند. تا زمان نهضت مشروطه اخذ منابع مالی از مردم تبدیل به ظلم بزرگی شده بود و در این راه فجایع تاریخی قابل ملاحظه ای به وقوع پیوست (مانند ضبط اموال، شلاق زدن، اسیرکردن فرزندان کسانی که قادر به پرداخت مالیات نبوده اند و فروختن آنها به خارجیان و مانند اینها). به همین دلایل موضوع رفتار حکومت در امور مالی از ملاحظات بسیار مهم در نهضت مشروطه بود و به خصوص مسئله اسارت تعدادی از دختران قوچانی توسط حاکم منطقه در مقابل بدهی مالیاتی مردم قوچان و فروش آنها به ترکمانان عشق آباد موجب ایجاد خشم و انزجار وسیع و مباحث پرحرارت و حساس توسط مشروطه خواهان شد. بررسی قانون اساسی مشروطه که

در سال ۱۲۸۵ شمسی به تصویب رسید، توجه خاص به کسب اختیارات مالی از دربار و قرار دادن آن تحت توجه نمایندگان مردم را به خوبی منعکس می‌کند. مهم‌ترین اصول قانون مذکور در خصوص مسائل اقتصادی عبارت بودند از:

اصل هجدهم: تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیات‌ها و رد و قبول در عوض و فروعات همچنان ممیزی‌های جدیدی که از طرف دولت اقدام خواهد شد به تصویب مجلس خواهند بود.

اصل نوزدهم: مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی در تقسیم ایالات و ممالک ایران و تجدید حکومت‌ها پس از تصویب مجلس سنا اجرای آرای مصوبه را از اولیای دولت بخواهد.

اصل بیستم: بودجه هر یک از وزارتخانه‌ها در نیمه آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده، پانزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد.

اصل بیست و دوم: مواردی که قسمتی از عایدات یا دارایی دولت و مملکت منتقل یا فروخته می‌شود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا می‌کند به تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود.

اصل بیست و سوم: بدون تصویب مجلس شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکت‌های عمومی از هر قبیل و به هر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد.

اصل بیست و چهارم: بستن عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها، اعطای امتیازات «انحصار» تجارتي و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از این که طرف داخله باشد یا خارجه، باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد، به استثنای عهدنامه‌هایی که استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد.

اصل بیست و پنجم: استقراض دولتی به هر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود.

اصل بیست و ششم: ساختن راه‌های آهن یا شوسه خواه به خرج دولت خواه به خرج شرکت و کمپانی، اعم از داخله و خارجه منوط به تصویب مجلس شورای ملی باشد.

تصویب اصول فوق در قانون اساسی مشروطه در واقع اولین اقدام سازمان یافته برای کنترل امور مالی دولت توسط مردم ایران محسوب می‌شود. همان‌طور که گفته شد هدف

اصلی از تصویب اصول فوق در قانون اساسی مشروطه اعمال نظارت مردم بر رفتار حکومت در زمینه مسائل اقتصادی بوده و به ویژگی‌هایی که بودجه در یک نظام اقتصادی دارد و نقشی که در آن ایفا می‌کند توجه نشده است.

در سال ۱۲۸۶ شمسی متمم قانون اساسی مشروطه نیز به تصویب رسید. به موجب برخی از اصول این قانون نظارت‌های بیشتری بر انجام مخارج و کسب درآمدها برقرار شد. مهم‌ترین اصولی که در متمم قانون اساسی مشروطه در خصوص مسائل اقتصادی و مالی به تصویب رسید عبارت بودند از:

اصل نهم متمم: افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و معترض احدی نمی‌توان شد، مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می‌نماید.

اصل سیزدهم متمم: منزل و خانه هرکس در حفظ و امان است. در هیچ مسکنی قهرأ نمی‌توان داخل شد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

اصل پانزدهم متمم: هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد، مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است.

اصل شانزدهم متمم: ضبط املاک و اموال مردم به‌عنوان مجازات و سیاست به هر عنوان که باشد. ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل هفدهم متمم: سلب تسلط مالکان و متصرفان از املاک و اموال متصرفه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است، مگر به حکم قانون.

اصل هیجدهم متمم: تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است، مگر آن‌که شرعاً ممنوع باشد.

اصل پنجاه و پنجم متمم: ضرب سکه با موافقت قانون به‌نام پادشاه است.

اصل پنجاه و ششم متمم: مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد.

اصل نود و سوم متمم: صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل به توسط انجمن‌های ایالتی و ولایتی طبع و نشر می‌شود.

اصل نود و چهارم متمم: هیچ قسم مالیات برقرار نمی‌شود مگر به حکم قانون.

اصل نود و پنجم متمم: مواردی را که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود.

اصل نود و هشتم متمم: میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با اکثریت تصویب و معین خواهد نمود.

اصل نود و هفتم متمم: در مواد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فی مابین افراد ملت گذارده نخواهد شد.

اصل نود و هشتم متمم: تخفیف و معافیت از مالیات منوط به قانون مخصوص است.

اصل نود و نهم متمم: غیر از مواقعی که قانون به صراحت مستثنی می دارد به هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمی شود مگر به اسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی.

اصل صد و یکم متمم: هیچ مرسوم و انعامی به خزینه دولت حواله نمی شود مگر به موجب قانون.

اصل صد و یکم متمم: اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتی که به موجب قانون مقرر می شود تعیین خواهد نمود.

اصل صد و دوم متمم: دیوان محاسبات مأمور به معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریق حساب کلیه محاسبان خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچ یک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز ننموده تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی در محل خود به مصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیک محاسبه مختلفه کلیه ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید به انضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید.

اصل صد و سوم متمم: ترتیب و تنظیم اداره این دیوان به موجب قانون است.

اصل صد و پنجم متمم: مخارج نظامی هر ساله از طرف شورای ملی تصویب می شود.

مواد فوق نیز غیر از چند ماده که برای حفظ حقوق مالکیت و آزادی فردی تدوین شده بود عمدتاً حول کنترل امور مالی دولت و نظارت بر آن تنظیم شده است. البته برخی از مواد مندرج در قانون اساسی و متمم آن با اصول شناخته شده و بسیار مهم در نظریه مالیه عمومی انطباق دارد. به عنوان مثال براساس اصل ۹۴ متمم قانون اساسی مشروطه اخذ هرگونه مالیات بدون تصویب قانون ممنوع شد. این نکته منعکس کننده همان اصل بسیار مهم و تثبیت شده

در نظریه مالیه عمومی است که می‌گوید: «هیچ وجهی از مردم اخذ نمی‌شود بدون این‌که نماینده آنها تأیید کرده باشد». براساس اصل ۱۰۰ هرگونه پرداخت از محل خزانه منوط به تصویب قانون شد این ماده با یکی دیگر از اصول مالیه عمومی انطباق دارد. اصلی که براساس آن نحوه هزینه کردن منابعی که از مردم اخذ می‌شود فقط توسط نماینده مردم تعیین می‌شود و همچنین به موجب اصول ۱۰۱ و ۱۰۲ مقرر گردید که دیوان محاسبات تشکیل شده و بر انجام مخارج دولت نظارت نماید. یعنی نمایندگان مردم بر چگونگی هزینه کردن منابعی که از مردم اخذ می‌شود، ناظر باشند.

در سال ۱۲۸۹ شمسی قانون محاسبات عمومی به تصویب رسید. در قانون محاسبات عمومی تعریف بودجه، اصطلاحات مالی، فرآیند تهیه و تصویب بودجه، قواعد ناظر بر جمع‌آوری درآمدها و انجام مخارج، نحوه ارائه گزارش از عملکرد بودجه به مجلس و دیوان محاسبات مشخص شد. در همین سال بود که قانون دیوان محاسبات نیز به تصویب رسید. در این قانون حدود و وظایف دیوان محاسبات برای نظارت بر انجام مخارج و کسب درآمدها مشخص شد.

در واقع یک وجه مهم از جنبش مشروطه به اعمال کنترل مردم بر دخل و خرج بودجه عمومی دولت مربوط بوده است. در دوران حکومت استبدادی اخذ درآمد از مردم توسط حکومت یکی از ابعاد ظلم و ستمی بود که به مردم ایران روا می‌شد. همچنین شیوه صرف این منابع در راه خودکامگی حکومت و تأمین مالی استبداد و خودکامگی، خود بعد دیگری از اعمال ظلم و ستم بر مردم به شمار می‌رفت. علاوه بر آن خارج کردن بخش‌های اقتصادی مانند: گمرک، پست‌خانه و تلفن‌خانه از دست مستشاران خارجی نیز مورد توجه بود. مانند بسیاری موارد تاریخی قابل ذکر در مورد کشورهای دیگر، اخذ اختیارات حکومت در امر مالیه عمومی و قرار دادن آن در کف نمایندگان مردم از اهداف جنبش مشروطه بود و این امر در مباحث دوران نهضت و چنانکه اشاره رفت در قانون اساسی مشروطه و قوانین مالی بعد از آن به روشنی قابل مشاهده است.

اولین بودجه‌ای که برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم شد بودجه‌ای بود که در سال ۱۲۸۹ شمسی به اهتمام صنایع‌الدوله تهیه شده بود. روزی که قرار بود این بودجه به

مجلس وقت تقدیم شود، صنیع الدوله در مقابل مجلس توسط دو نفر روس ترور شد. در آن زمان تهیه بودجه نه تنها یک عامل مهم در سیاست داخلی و صحنه تقسیم قدرت بین نیروهای استبداد و نمایندگان مردم بود بلکه باتوجه به ویژگی خاص جغرافیایی - سیاسی کشور یک عامل دخالت عوامل و نیروهای خارجی نیز بوده است. برای مثال در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی یک مستشار امریکایی به نام مورگان شوستر برای اصلاح نظام مالی به استخدام دولت ایران درآمد و به سمت خزانه دار کل منصوب شد. مجلس شورای ملی به این مستشار اختیاراتی برای اصلاح نظام مالی ایران داد. به فاصله کوتاهی از ورود مورگان شوستر دولت روسیه از دولت ایران خواست که مورگان شوستر را اخراج کند. مجلس شورای ملی با این درخواست موافقت نکرد و در پی آن با دخالت روسیه و حمله این کشور به قسمت های شمالی ایران و تصرف آن نواحی برای مدتی مجلس شورای ملی تعطیل شد و تا چند سال بعد از آن واقعه لایحه و قانون بودجه در ایران تهیه نشد.

دخالت های خارجی در امور مالی کشور بعداً نیز ادامه یافت چنانکه در حدود سال ۱۲۹۴ هجری شمسی عملاً یک کمیته پنج نفری شامل یک نماینده دولت روس، یک نماینده دولت انگلیس و سه نماینده ایران بر امر تهیه بودجه و امور مالی ایران نظارت و دخالت می کرد. پس از قرارداد معروف سال ۱۹۱۹ و ثوق الدوله نیز کشمکش سیاسی بین روس و انگلیس ادامه داشت و دولت انگلیس با تعیین مستشار مالی در وزارت مالیه ایران قصد داشت دست بر تر را پیدا کنند.

اگر چه از سال ۱۲۹۹ به بعد مجلس بر بودجه دولت از طریق وضع قوانین نظارت داشته است اما، در عمل فرآیند تهیه و تصویب بودجه به شکلی که در قانون محاسبات عمومی پیش بینی شده بود تقریباً از سال ۱۳۰۷ انجام گرفت. از آن زمان به بعد غیر از سال هایی که بحران های شدید سیاسی در ایران وجود داشته قوانین بودجه های سالانه تهیه و تصویب شده است.

قوانین بودجه تا سال ۱۳۲۷ توسط وزارت دارایی تهیه می شد. در این سال وظیفه تهیه لوایح بودجه عمرانی به سازمان برنامه و بودجه که برای تهیه و اجرای برنامه های توسعه اقتصادی در سال ۱۳۲۷ تشکیل شده بود واگذار گردید. لکن بودجه جاری کماکان توسط

وزارت دارایی تهیه می‌شد و امر نظارت بر اجرای بودجه نیز به‌عهده این وزارتخانه بود. از سال ۱۳۴۳ وظیفه تهیه بودجه کلاً به سازمان برنامه و بودجه منتقل شد. براساس قوانین مربوط قسمتی از امر نظارت بر اجرای بودجه نیز به این سازمان منتقل گردید. در اقدام دیگری با تصویب قانون محاسبات عمومی سال ۱۳۴۹ نظارت مالی وزارت دارایی بر بودجه از طریق وظایف ذی‌حساب‌ها همچنان برای وزارتخانه مزبور تثبیت شد. وظیفه سازمان برنامه در امر تهیه بودجه و اعمال بعضی از نظارت‌ها بر اجرای آن با تصویب قانون برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۱ تثبیت شد. این انشقاق در اجرا و نظارت بر بودجه بین دو دستگاه مختلف یکی وزارت دارایی (فعالاً وزارت امور اقتصادی و دارایی) و دیگری سازمان برنامه و بودجه که به دلیل کشمکش‌های سیاسی و اداری انجام شد طی سال‌های متمادی یکی از زمینه‌های مشکل‌زا در امر تدوین، اجرا و نظارت بر بودجه بوده و ترمیم‌های جزئی قانونی که بعداً انجام شده نیز مشکل را حل نکرده است.

نقش ذی‌حساب‌ها در امر اجرای بودجه پیوسته یک عامل مهم بحث در دستگاه‌های دولتی بوده و مسائل قابل ملاحظه‌ای بین مدیران اجرایی و ذی‌حساب‌ها یا وزارت اقتصاد و دارایی ایجاد کرده است. این‌که یک کارمند از یک وزارتخانه به‌عنوان عامل عمده تصمیم‌گیری یا ممانعت از تصمیمات مالی مدیران مسئول دستگاه‌های دیگر باشد و در مواردی نقش مدیر مالی دستگاه‌های دیگر را به‌عهده داشته باشد، پدیده‌ای خاص و کم‌نظیر در نظام‌های بودجه‌ریزی دولتی است. دلیل ظهور این پدیده نیز به‌عوامل تاریخی مربوط می‌شود. به این نحو که در ابتدای ایجاد وزارت دارایی عملاً عملیات مالی مربوط به پرداخت‌های دولت در این وزارتخانه متمرکز بود به‌نحوی که چک‌های مربوط به پرداخت هزینه‌ها نیز مستقیماً توسط همین وزارتخانه صادر می‌شد. به‌تدریج که بوروکراسی وسعت یافت و حجم عملیات دولت گسترده شد، ادامه این روش عملی نبود و لازم شد که اجرای عملیات مالی مربوط به هر وزارتخانه به همان وزارتخانه واگذار گردد. از آنجا که افراد دارای تخصص مالی و حسابداری به اندازه کافی وجود نداشت، وزارت دارایی نقش تأمین این نیروی انسانی را به‌عهده گرفت و به دلیل ممانعت از تغییر شغل و جابه‌جایی حسابداران جدید در دستگاه‌های دولتی این افراد به‌عنوان کارمند وزارت دارایی به دستگاه‌های مختلف

اعزام شدند و به عنوان عوامل نگه‌داری حساب‌ها یا «ذی حساب» معروف شدند. به تدریج در قوانین بعدی نقش این عوامل تثبیت شد و نقش محوری در اجرای بودجه یافتند. برای اجرای کارآمد بودجه تعیین حیطه اختیارات مدیران، تعریف نحوه پاسخگویی آنها به مراجع قانونی، وجود حسابداری استاندارد و حسابرسی منظم کافی است. نظام‌های بودجه‌ریزی دیگر کشورها نیز اکثراً دارای همین ارکان هستند.

۲- قوانین ناظر بر نظام بودجه‌ریزی ایران

نظام بودجه‌ریزی کشور براساس قوانین زیر بنا شده و فعالیت می‌کند.

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛

۲- قانون محاسبات عمومی؛

۳- قانون دیوان محاسبات؛

۴- قانون برنامه و بودجه.

اگر چه قوانین دیگری نیز بر نظام بودجه‌ریزی نظارت دارد اما نظام بودجه‌ریزی ایران براساس چهار قانون فوق استوار است. در ادامه به‌طور مختصر مطالبی در مورد آنها ارائه می‌شود.

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اگر چه مبنای تمام قوانین و مقررات جاری کشور است اما برخی از اصول این قانون به‌طور مشخص در مورد نظام بودجه‌ریزی کشور تدوین شده است. این اصول عبارت‌اند از:

اصل چهل و چهارم

براساس مفاد این اصل انجام برخی از فعالیت‌های اقتصادی از جمله صنایع و معادن بزرگ، بازرگانی خارجی، بانک‌داری و بیمه، تولید برق، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست، تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه‌آهن و راه‌بر عهده دولت گذاشته

شده است.

اصل پنجاه و یکم

به موجب این اصل وضع مالیات و اعطای معافیت مالیاتی تنها به موجب قانون امکان پذیر است.

اصل پنجاه و دوم

بر اساس مفاد این اصل بودجه سالانه کل کشور از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی به مجلس شورای اسلامی تسلیم می شود.

اصل پنجاه و سوم

بر اساس مفاد این اصل کلیه دریاft ها و پرداخت های دولت از طریق حساب های خزانه داری کل و به موجب قانون انجام می گیرد.

اصل پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم

بر اساس مفاد این دو اصل دیوان محاسبات زیر نظر مجلس شورای اسلامی به حساب های وزارخانه ها، مؤسسات، شرکت های دولتی و سایر دستگاه هایی که از بودجه کل کشور استفاده می کنند رسیدگی می کند تا اعتبارات دولتی در چارچوب قوانین مصوب به مصرف برسد.

۲- قانون محاسبات عمومی کشور

این قانون که برای اولین بار در بدو تشکیل حکومت مشروطه در ایران به تصویب مجلس شورای ملی رسید در سال های بعد چندبار مورد اصلاح قرار گرفته است. آخرین ویرایش این قانون در سال ۱۳۶۶ هجری شمسی از تصویب مجلس شورای اسلامی ایران گذشته است. از سال ۱۳۶۶ تاکنون نیز در برخی از مواد این قانون تغییراتی ایجاد شده است. علی رغم این که این قانون در طی سال های گذشته چندین بار مورد بازنگری قرار گرفته، اما هنوز چارچوب های اساسی آن بدون تغییر مانده است. آخرین ویرایش این قانون شامل چندین فصل به شرح زیر است:

فصل اول - تعاریف

در این فصل که شامل مواد ۱ الی ۳۶ می باشد برخی از اصطلاحات و عبارت های مورد استفاده

در قانون تعریف و طبقه‌بندی شده است.

مهم‌ترین تعاریف این فصل عبارت‌اند از:

تعریف بودجه، وزارتخانه، مؤسسه دولتی، شرکت دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، سال مالی، اعتبار، دیون بلامحل، مواد هزینه، درآمد عمومی، دریافت‌های دولت، سایر منابع تأمین اعتبار، وجوه عمومی، درآمد اختصاصی، درآمد شرکت‌های دولتی، سایر منابع تأمین اعتبار شرکت‌های دولتی، تشخیص، تأمین اعتبار، تعهد، تسجیل، حواله، درخواست وجه، هزینه، تنخواه گردان خزانة، تنخواه گردان استان، تنخواه گردان حساب‌داری، تنخواه گردان پرداخت، پیش‌پرداخت، علی‌الحساب، سپرده، ذی حساب، معاونان ذی حساب، امین اموال، کارپرداز و عامل ذی حساب.

فصل دوم - اجرای بودجه

فصل دوم این قانون شامل ۳ بخش است. بخش اول این فصل که شامل مواد ۳۷ تا ۴۹ می‌باشد به نحوه وصول، جمع‌آوری و نگه‌داری درآمدهای دولت اختصاص دارد. بخش دوم که شامل مواد ۵۰ تا ۷۸ می‌شود به نحوه انجام مخارج، ایجاد و پرداخت تعهد، نحوه استفاده از انواع تنخواه گردان، نحوه صدور حواله، نحوه تأدیه پیش‌پرداخت و علی‌الحساب، نحوه استفاده شرکت‌های دولتی از کمک‌های مالی دولت، نحوه پرداخت کمک و اعانه به افراد و مؤسسات غیردولتی، نحوه استفاده از اعتبارات مربوط به حوادث غیرمترقبه اختصاص دارد. بخش سوم از فصل دوم که شامل مواد ۷۹ تا ۸۹ می‌شود به نحوه انجام معاملات توسط دستگاه‌های دولتی اختصاص دارد. در مواد مربوط به این بخش، انواع معاملات، روش انجام مناقصه و مزایده، موارد ترک تشریفات مناقصه یا مزایده و ترکیب هیئت ترک تشریفات مناقصه و مزایده تعیین شده است.

فصل سوم - نظارت مالی

فصل سوم که شامل مواد ۹۰ تا ۹۴ می‌باشد به نحوه نظارت بر بودجه مربوط است. به موجب مواد این فصل اعمال نظارت بر مخارج وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی به عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی و نظارت بر عملکرد فعالیت‌ها و طرح‌های عمرانی دولت که مخارج آنها از طریق بودجه‌های جاری یا عمرانی تأمین می‌شود به عهده سازمان

برنامه و بودجه واگذار شده است.

فصل چهارم - تنظیم حساب و تفریغ بودجه

فصل چهارم که شامل مواد ۹۵ تا ۱۰۵ می باشد به نحوه تنظیم حساب ها و صورت حساب ها توسط ذی حسابان، مهلت های قانونی برای تنظیم حساب ها و ارائه گزارش های مالی و ضوابط تدوین لایحه تفریغ بودجه اختصاص دارد. براساس این قانون در لایحه تفریغ بودجه که توسط دیوان محاسبات تنظیم می شود عملکرد بودجه با مصوبات قانون بودجه و سایر قوانین ناظر بر بودجه مقایسه می شود و موارد خلاف به اطلاع مجلس می رسد.

فصل پنجم - اموال دولتی

در فصل پنجم که شامل مواد ۱۰۶ تا ۱۲۲ می شود نحوه نگه داری اموال دولتی، نقل و انتقال آنها میان وزارتخانه ها و سازمان های دولتی یا شرایط فروش آنها مشخص شده است.

فصل ششم - مقررات متفرقه

در فصل ششم که شامل مواد ۱۲۳ تا ۱۴۰ می شود موارد مختلفی مورد توجه قرار گرفته است برخی از مهم ترین مسائل مطرح در این مواد عبارت اند از: نحوه نگه داری اوراق سهام و سایر اوراق بهادار توسط دستگاه های دولتی، نحوه ایجاد حساب از طرف خزانه در بانک های کشور، مهلت قانونی برای رسیدگی و تصویب تراز نامه و حساب سود و زیان شرکت های دولتی از جانب مجامع عمومی و انحلال شرکت های دولتی.

از مقایسه قانون جدید و قوانین قدیمی می توان دریافت که تحول محتوایی و اساسی در قانون جدید ملاحظه نمی شود و به نوعی تکرار همان سازمان قدیم مالی و نظارتی است. این قانون، دیوان محاسبات را برای انجام کنترل های بیشتر تقویت می کند. کنترل هایی که به هر حال در گذشته نیز امکان انجام آنها را نداشته است.

۳- قانون دیوان محاسبات

قانون دیوان محاسبات نیز همانند قانون محاسبات عمومی برای اولین بار در بدو تشکیل حکومت مشروطه در ایران و در سال ۱۲۸۹ شمسی به تصویب مجلس وقت رسید. آخرین ویرایش این قانون در سال ۱۳۶۱ شمسی از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته است. از

آن زمان تاکنون در برخی از مفاد این قانون اصلاحاتی به عمل آمده است. اصول کلی این قانون تقریباً در طول زمان ثابت بوده و چارچوب اصلی آن پس از حدود یک قرن بدون تغییر باقی مانده است. آخرین ویرایش این قانون شامل فصول زیر است:

فصل اول - هدف

در این فصل که شامل ماده ۱ می باشد هدف از تشکیل دیوان محاسبات بیان شده است. به موجب این ماده هدف اصلی از تشکیل دیوان محاسبات اعمال کنترل و نظارت مستقیم بر فعالیت های مالی دولت و دستگاه های دولتی است.

فصل دوم - وظایف و اختیارات

در این فصل که شامل مواد ۲ تا ۸ می باشد وظایف و اختیارات دیوان محاسبات تعیین شده است. به موجب مواد این فصل، حسابرسی و رسیدگی به کلیه حساب های درآمدی و هزینه ای، دریافت ها و پرداخت ها، اموال و دارایی ها و تدوین لایحه تفریغ بودجه از وظایف دیوان محاسبات است.

فصل سوم - سازمان و تشکیلات

در این فصل که شامل مواد ۹ تا ۲۲ می باشد سازمان و تشکیلات دیوان محاسبات مشخص شده است. به موجب مفاد مندرج در مواد این فصل، دیوان محاسبات مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی انجام وظیفه می کند. رئیس دیوان محاسبات به پیشنهاد کمیسیون های دیوان محاسبات و بودجه مجلس و تصویب نمایندگان مجلس تعیین می گردد. دیوان محاسبات دارای یک دادسرا، یک دادستان، چند هیئت مستشاری و تعدادی مشاور و کارشناس مالی و فنی است.

فصل چهارم - نحوه کار هیئت های مستشاری

در این فصل که شامل مواد ۲۳ تا ۳۶ می باشد وظایف هیئت های مستشاری برای رسیدگی به تخلفات مالی، انواع مجازات های قابل اعمال در مورد تخلفات، نحوه صدور رأی، رابطه هیئت های مستشاری با دادستان دیوان محاسبات و نحوه تقاضای تجدیدنظر در احکام صادره مشخص شده است.

فصل پنجم - مقررات متفرقه

در این فصل که شامل مواد ۳۷ تا ۴۷ است نحوه نگه‌داری اسناد و مدارک مالی توسط دیوان محاسبات، عضویت دیوان محاسبات در - مجامع بین‌المللی و آسیایی حسابرسی و ارتباط اداری دیوان محاسبات و دستگاه‌های اجرایی - مشخص شده است.

۴- قانون برنامه و بودجه

قانون برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۱ شمسی (۱۹۷۳ میلادی) به تصویب رسیده و تاکنون غیر از چند مورد اصلاح جزئی مورد بازنگری اساسی قرار نگرفته است. این قانون دارای ۱۰ فصل به شرح زیر است:

فصل اول - تعاریف

در این فصل که فقط شامل ماده ۱ است اصطلاحات و عبارات‌های زیر تعریف شده است: سازمان برنامه و بودجه، برنامه دراز مدت، برنامه عمرانی پنج ساله، برنامه سالانه، بودجه عمومی دولت، اعتبارات جاری، اعتبارات عمرانی، عملیات اجرایی، فعالیت جاری، طرح عمرانی، طرح عمرانی انتفاعی، طرح عمرانی غیر انتفاعی، طرح مطالعاتی، دستگاه اجرایی و دستگاه مسئول بهره‌برداری.

فصل دوم - شورای اقتصاد

این فصل شامل مواد ۲ و ۳ می‌شود. در ماده ۲ هدف از شورای اقتصاد و ترکیب اعضای آن مشخص شده و در ماده ۳ وظایف این شورا تعیین شده است. هدف از تشکیل شورای اقتصاد هماهنگ ساختن امور اقتصادی کشور است. رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تعدادی از وزرای اعضای شورای اقتصاد هستند. ریاست این شورا به عهده رئیس جمهور است.

به موجب ماده ۳ مهم‌ترین وظایف شورای اقتصاد عبارت‌اند از: تعیین هدف‌های کلی برنامه‌های عمرانی کشور، تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اقتصادی، بررسی برنامه‌های عمرانی، تعیین خط‌مشی تنظیم بودجه، بررسی بودجه قبل از طرح در هیئت وزیران و تصویب ضوابط مربوط به اخذ یا پرداخت وام.

فصل سوم - سازمان برنامه و بودجه

این فصل شامل مواد ۴ تا ۶ می شود. به موجب ماده ۴ این فصل رئیس سازمان برنامه و بودجه توسط رئیس جمهور تعیین می شود و به موجب ماده ۶ انتخاب معاونان این سازمان با انتخاب رئیس سازمان و موافقت رئیس جمهور انجام می شود. بر اساس ماده ۵ مهم ترین وظایف سازمان برنامه و بودجه عبارت اند از: انجام مطالعات و بررسی های اقتصادی، تهیه برنامه های دراز مدت اقتصادی، تهیه برنامه های عمرانی ۵ساله، پیشنهاد خط مشی ها و سیاست های بودجه ای به شورای اقتصاد، تهیه و تنظیم بودجه، نظارت بر برنامه های عمرانی، هماهنگ ساختن روش ها و برنامه های آماری کشور و ارزیابی کارایی دستگاه های اجرایی.

فصل چهارم - تهیه برنامه های عمرانی پنج ساله

این فصل شامل مواد ۷ تا ۱۰ می باشد و در آن نحوه تهیه و تنظیم برنامه های عمرانی پنج ساله مشخص شده است.

فصل پنجم - بودجه کل کشور

این فصل شامل مواد ۱۱ تا ۲۰ می باشد و در آن نحوه تهیه و تنظیم بودجه مشخص شده است. به موجب مفاد این فصل دستگاه های اجرایی بودجه های جاری و عمرانی مورد نیاز خود را برای انجام برنامه های سالانه بر اساس رهنمودهایی که از سوی شورای اقتصاد ابلاغ می شود تهیه و به سازمان برنامه و بودجه ارسال می کنند. سازمان برنامه و بودجه بر اساس پیشنهاد دستگاه های اجرایی و بررسی آنها لایحه بودجه کل کشور را تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه می دهد.

فصل ششم - اجرای طرح های عمرانی

این فصل شامل مواد ۲۱ تا ۲۳ است. بر اساس مفاد این فصل دستگاه های اجرایی مسئول تهیه و اجرای طرح های عمرانی هستند و سازمان برنامه و بودجه صلاحیت مهندسان مشاور و پیمان کاران را بررسی و تأیید می کند و آنها را بر اساس ظرفیت انجام کار طبقه بندی می نماید.

فصل هفتم - منابع مالی

این فصل شامل مواد ۲۴ تا ۲۷ می باشد. بر اساس مفاد این فصل منابع مالی مورد نیاز برای اجرای برنامه های عمرانی از محل درآمد نفت و مشتقات آن، انواع مالیات ها و سایر

درآمدهای دولت و وام و اعتبارات داخلی و خارجی تأمین می‌شود. در مواد مندرج در این فصل شرایط استفاده از وام داخلی و خارجی برای اجرای برنامه‌های عمرانی مشخص شده است.

فصل هشتم - تعهد و پرداخت اعتبار جاری و عمرانی

این فصل شامل مواد ۲۸ تا ۳۳ است. براساس مواد مندرج در این فصل نحوه انجام تعهد و پرداخت اعتبارات جاری عمرانی و بازپرداخت وام‌ها مشخص شده است. همچنین بر اساس مواد این فصل هیئتی مرکب از نمایندگان سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی با توجه به پیشرفت فعالیت‌ها اعتبار مورد نیاز را تخصیص خواهند داد.

فصل نهم - نظارت

این فصل شامل مواد ۳۴ تا ۳۸ است. بر اساس مواد مندرج در این فصل وظیفه نظارت بر انجام فعالیت‌های جاری و عمرانی به عهده سازمان برنامه و بودجه گذاشته شده و دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند که پیشرفت فعالیت‌های جاری و عمرانی را به سازمان برنامه و بودجه گزارش دهند. این سازمان گزارش‌های مربوط به پیشرفت عملیات عمرانی و بودجه را به رئیس جمهور ارائه می‌دهد.

فصل دهم - مقررات مختلف

این فصل شامل مواد ۳۹ تا ۵۳ است. در مورد این فصل مقررات مختلفی وضع شده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ترتیب انجام معاملات با ارزش بیشتر از ۲۰۰ میلیون ریال، نحوه نگهداری اموال مربوط به طرح‌های عمرانی، چگونگی حسابرسی وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی، ترکیب کمیته ناظر بر کمک‌های فنی و مالی خارجی و نحوه تملک اراضی مورد نیاز برای اجرای طرح‌های عمرانی.

۳- شمول بودجه و اجزای آن

بودجه کل کشور در جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱- بودجه عمومی و اختصاصی؛

۲- بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت.

۱- بودجه عمومی و اختصاصی

بودجه عمومی و اختصاصی شامل کلیه دریافت‌ها و پرداخت‌های وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی است. درآمدهای بودجه عمومی و اختصاصی در هفت گروه عمده به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- درآمدهای مالیاتی؛

۲- درآمد نفت و گاز؛

۳- درآمدهای حاصل از انحصارات و مالکیت دولت؛

۴- درآمدهای حاصل از خدمات و فروش کالا؛

۵- حق بیمه، کمک‌های دریافتی، درآمدهای انتقالی و متفرقه؛

۶- سایر منابع تأمین اعتبار.

هر یک از گروه‌های درآمدی به ردیف‌های متعددی تفکیک می‌شود. هر یک از این ردیف‌ها به یک درآمد مشخص اختصاص دارد. بعضی از ردیف‌های درآمدی به دو بخش عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شوند. بخش درآمدهای اختصاصی که درصد کوچکی از درآمدها را تشکیل می‌دهد به انجام مخارج مشخصی اختصاص می‌یابد. ردیف‌های درآمدی به موجب قانون ایجاد می‌شوند. مسئولیت کسب درآمد مربوط به هر یک از این ردیف‌ها به عهده یکی از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها یا مؤسسات دولتی واگذار شده است.

مخارج بودجه عمومی و اختصاصی به دو گروه جاری و عمرانی تقسیم می‌شود. بودجه‌های جاری و عمرانی هر کدام به چند گروه عمده تقسیم می‌شوند. در هر یک از این گروه‌ها طیف وسیعی از فعالیت‌های دولت طبقه‌بندی شده است. این گروه‌ها را در اصطلاح «امور» می‌گویند. هر یک از امور مذکور به چند «فصل» و هر فصل به چند «برنامه» تقسیم می‌شود. بعضی از برنامه‌ها به دو بخش عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شوند. مخارج اختصاصی از محل درآمد اختصاصی تأمین می‌شود. هر یک از برنامه‌ها برای انجام یک فعالیت مشخص تعریف شده است. در هر سال مالی سهم هر یک از دستگاه‌های دولتی از

بودجه هر برنامه تعیین می‌گردد. فهرست امور و فصول مربوط به هر یک، به شرح زیر است.

الف: امور عمومی

فصل اول- تنظیم روابط قوای سه گانه؛

فصل دوم- قانون گذاری؛

فصل سوم- اداره امور عمومی؛

فصل چهارم- اداره امور قضائی و ثبتی؛

فصل پنجم- اجرای سیاست داخلی؛

فصل ششم- حفظ نظم و امنیت داخلی کشور؛

فصل هفتم- اداره روابط خارجی؛

فصل هشتم- اداره امور مالی؛

فصل نهم- آمار و خدمات عمومی؛

فصل دهم- اطلاعات و ارتباطات جمعی؛

فصل یازدهم- ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی؛

فصل دوازدهم- اداره امور نیروی کار.

ب: امور دفاع ملی

فصل اول- دفاع نظامی.

ج: امور اجتماعی

فصل اول- آموزش و پرورش عمومی؛

فصل دوم- فرهنگ و هنر؛

فصل سوم- بهداشت و درمان و تغذیه؛

فصل چهارم- تأمین اجتماعی و بهزیستی؛

فصل پنجم- تربیت بدنی و امور جوانان؛

- فصل ششم - عمران شهرها؛
- فصل هفتم - عمران و نوسازی روستاها؛
- فصل هشتم - تأمین مسکن؛
- فصل نهم - حفاظت محیط زیست؛
- فصل دهم - عملیات چند منظوره توسعه نواحی؛
- فصل یازدهم - آموزش فنی و حرفه‌ای؛
- فصل دوازدهم - آموزش عالی؛
- فصل سیزدهم - تحقیقات.

د: امور اقتصادی

- فصل اول - کشاورزی و منابع طبیعی؛
- فصل دوم - منابع آب؛
- فصل سوم - برق؛
- فصل چهارم - صنایع؛
- فصل پنجم - نفت؛
- فصل ششم - گاز؛
- فصل هفتم - معادن؛
- فصل هشتم - بازرگانی؛
- فصل نهم - راه و ترابری؛
- فصل دهم - پست و مخابرات؛
- فصل یازدهم - جهانگردی؛
- فصل دوازدهم - علوم و فنون هسته‌ای.

هنا امور متفرقه

۲- بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت

بودجه تعداد زیادی از شرکت‌های بزرگ دولتی به همراه بودجه تمام بانک‌های کشور و چند مؤسسه انتفاعی وابسته به دولت، این بخش از بودجه کل کشور را تشکیل می‌دهد. بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات غیر انتفاعی وابسته به دولت شامل دو بخش منابع و مصارف است. منابع و مصارف نیز به شکل زیر طبقه‌بندی می‌شود.

طبقه‌بندی منابع و مصارف در بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات غیر انتفاعی
وابسته به دولت در قانون بودجه کل کشور

مصارف	منابع
هزینه‌های جاری	درآمدهای عملیاتی
انتقال به درآمد بودجه عمومی سهم دولت (از سود مؤسسات انتفاعی)	از محل اعتبارات جاری (بودجه عمومی)
مالیات شرکت‌های دولتی	از محل اعتبارات سرمایه‌گذاری ثابت
سود سهام (شامل سهم دولت و سایر سهامداران)	تسهیلات بانکی و سایر وام‌های داخلی
بازپرداخت تسهیلات بانکی و سایر وام‌های داخلی	وام‌های خارجی
بازپرداخت وام‌های خارجی	استفاده از دارایی‌های جاری
- بازپرداخت دیعه دیون و سایر پرداخت‌ها	سایر دریافت‌ها
سایر حساب‌های تقسیم سود به استثنای اندوخته‌ها	
هزینه‌های سرمایه‌ای	
افزایش دارایی‌های جاری	
(کسر می‌شود ذخیره استهلاک منظور در هزینه عملیات جاری)	

۴- مراحل تهیه و تنظیم بودجه در عمل

۱- تهیه لایحه بودجه توسط دولت

۱-۱- بخشنامه بودجه

مراحل تهیه و تنظیم بودجه در عمل با صدور بخشنامه بودجه توسط رئیس‌جمهور آغاز می‌شود. این بخشنامه را سازمان برنامه و بودجه تهیه می‌کند و سپس به تصویب شورای اقتصاد می‌رساند. بخشنامه بودجه حاوی سیاست‌ها و اصول کلی مورد نظر برای بودجه سال بعد، سقف درآمدها و مخارج بودجه کل کشور، برنامه زمان‌بندی تهیه بودجه و فرم‌ها و

دستورالعمل‌های مورد استفاده برای تهیه بودجه است. این بخشنامه به طور معمول در پایان نیمه اول هر سال به دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ می‌شود.

۱-۲- پیش‌بینی بودجه مورد نیاز توسط دستگاه‌های اجرایی و بررسی آن در سازمان برنامه و بودجه دستگاه‌های اجرایی کشور با توجه به مفاد بخشنامه بودجه و با توجه به فعالیت‌های جاری و عمرانی که در سال بعد انجام خواهند داد بودجه مورد نیاز خود را تهیه کرده و به سازمان برنامه و بودجه ارسال می‌دارند. دستگاه‌هایی که امکان کسب درآمد دارند پیش‌بینی درآمد خود را برای سال بعد نیز ارائه می‌کنند. در سازمان برنامه و بودجه دفاتر تخصصی مربوط به هر یک از دستگاه‌های اجرایی، بودجه پیشنهادی آن دستگاه را بررسی می‌کنند. در این بررسی با توجه به عواملی چون تعداد پرسنل، مساحت و تعداد ساختمان‌های اداری، تعداد وسایل نقلیه و دیگر امکانات و تجهیزات، میزان و چگونگی انجام و ارائه خدمات، فعالیت‌ها و اقدامات و اهداف عملیاتی برنامه‌های اجرایی سالانه بودجه جاری دستگاه تعیین می‌گردد.

بودجه عمرانی دستگاه‌های اجرایی نیز با توجه به نیاز مالی طرح‌هایی که از قبل آغاز شده و طرح‌هایی که قرار است در سال بعد آغاز شود تعیین می‌گردد. در تعیین بودجه جاری و عمرانی قدرت سیاسی و قدرت چانه‌زنی دستگاه اجرایی عامل تعیین‌کننده‌ای است. سازمان برنامه و بودجه پس از بررسی بودجه دستگاه اجرایی و تعدیل آن در حد منابع کلان بودجه در مورد اعتبارات بودجه سال آتی با دستگاه اجرایی به توافق می‌رسند. در صورت عدم توافق، برای دستگاه اجرایی این امکان وجود دارد که در مراحل بعدی در دولت یا مجلس سقف بودجه خود را تغییر دهد.

۱-۳- ارائه بودجه به شورای اقتصاد

سازمان برنامه و بودجه پس از بررسی بودجه دستگاه‌های اجرایی نتیجه کار را به شورای اقتصاد ارائه می‌دهد. در این مرحله شورای اقتصاد نظرات اصلاحی خود را به سازمان برنامه و بودجه اعلام می‌نماید.

۱-۴- تهیه لایحه بودجه و ارسال آن به هیئت دولت

سازمان برنامه و بودجه بر اساس مصوبات شورای اقتصاد لایحه بودجه کل کشور را تدوین می‌نماید و آن را جهت تصویب به دولت ارائه می‌دهد. هیئت دولت به نوبه خود در مفاد

لایحه بودجه اصلاحاتی به عمل می‌آورد.

۱-۵- اعمال اصلاحات هیئت دولت در لایحه بودجه و تهیه لایحه نهایی بودجه

سازمان برنامه و بودجه پس از اعمال نظرات اصلاحی هیئت دولت لایحه نهایی بودجه را تنظیم نموده و به همراه پیوست‌های آن برای ارائه به مجلس به رئیس جمهور تقدیم می‌کند. رئیس جمهور شخصاً لایحه بودجه را به مجلس تقدیم می‌نماید. در زمان تقدیم لایحه بودجه سالانه به مجلس معمولاً رئیس جمهور یک گزارش فراگیر از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و پیش‌بینی‌های مربوط به سال بعد را ارائه می‌نماید. در این گزارش همچنین شرح مهم‌ترین اقدامات اقتصادی دولت در سال جاری و سال آینده به اطلاع مجلس می‌رسد و لایحه بودجه تقدیمی تشریح می‌شود.

۲- فرایند تصویب بودجه در مجلس شورای اسلامی

در مجلس شورای اسلامی بودجه بر اساس آیین‌نامه‌های داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این آیین‌نامه‌ها که در سال‌های مختلف تغییر کرده‌اند گردش کار و مراحل بررسی بودجه را در مجلس ترسیم می‌کنند.

بر اساس آخرین آیین‌نامه‌های داخلی مجلس شورای اسلامی که در سال‌های اخیر به تصویب نمایندگان رسیده است، بودجه در دو مرحله بررسی و تصویب می‌شود. در مرحله اول بخش درآمدهای بودجه و در مرحله دوم هزینه‌های بودجه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- شور اول؛ بررسی درآمدها

در شور اول هر یک از کمیسیون‌های تخصصی مجلس درآمدهای قابل کسب توسط دستگاه مربوط به خود را بررسی می‌کند. در این بررسی به طور معمول از نظر مشورتی مدیریت‌های تخصصی سازمان برنامه و بودجه و کارشناسان و مدیران دستگاه اجرایی استفاده می‌شود. پس از بررسی، کمیسیون‌های مجلس پیشنهادها و نظرات اصلاحی خود را به کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ارسال می‌کنند.

کمیسیون برنامه و بودجه مجلس پس از اتمام مهلت مقرر پیشنهادهای هر کمیسیون را با حضور اعضای آن بررسی می‌کند و در مورد پیشنهادها رأی‌گیری به عمل می‌آورد. پس از

اتمام این مرحله کار تصویب درآمدها در جلسات علنی مجلس با حضور نمایندگان آغاز می‌شود و پیشنهادهای دولت به همراه سایر پیشنهادها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. هنگام بررسی درآمدها نمایندگان دولت در مجلس حضور دارند و نظر دولت را در مورد هر یک از پیشنهادها به اطلاع نمایندگان می‌رسانند و پس از آن در مورد هر یک از پیشنهادها رأی‌گیری به عمل می‌آید. در پایان این مرحله سقف کلی درآمدها و اجزای تشکیل دهنده درآمدهای بودجه تعیین می‌گردد.

۲- شور دوم، بررسی مخارج

پس از تعیین درآمدها در شور اول هر یک از کمیسیون‌های تخصصی مجلس مخارج دستگاه مربوط به خود را بررسی می‌کند. در این بررسی نیز از نظریات مشورتی و تخصصی سازمان برنامه و بودجه و کارشناسان و مدیران دستگاه اجرایی استفاده می‌شود. پس از بررسی، هر یک از کمیسیون‌ها پیشنهادها و نظرات اصلاحی خود را به کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ارسال می‌کنند.

کمیسیون برنامه و بودجه در مورد هزینه‌ها نیز پیشنهادهای کمیسیون‌ها را در حضور آنان مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت گزارش خود را به مجلس ارائه می‌دهد. مجلس نیز در جلسات علنی در مورد پیشنهادها بحث و بررسی را آغاز می‌کند و در نهایت در مورد پیشنهادها رأی‌گیری انجام می‌شود. پس از پایان این مرحله که به طور معمول در آخر هر سال انجام می‌شود، قانون بودجه برای تصویب به شورای نگهبان قانون اساسی ارسال می‌شود. شورای نگهبان مانند دیگر لوایحی که مجلس تصویب می‌کند آن را از لحاظ عدم مغایرت با قانون اساسی و قوانین شرعی مورد بررسی قرار می‌دهد. در صورت وجود موارد خلاف قانون اساسی یا شرع، مجلس شورای اسلامی نظرات شورای نگهبان را تأمین می‌نماید و سپس رئیس مجلس شورای اسلامی قانون بودجه را برای اجرا به دولت ابلاغ می‌کند.

۵- اعمال سیاست‌های اقتصادی از طریق بودجه

در جمهوری اسلامی ایران طبق قوانین موجود بودجه یک سند مالی یک‌ساله و یک جزء

یک‌ساله از برنامه‌های پنج‌ساله کشور محسوب می‌شود. بنابراین علاوه بر اجرای سیاست‌های مالی یک‌ساله انتظار می‌رود که سیاست‌های مالی را در چارچوب استراتژی بلندمدت رشد و توسعه کشور قرار داده و طبق برنامه‌های پنج‌ساله اهدافی را مابرای اهداف یک‌ساله پیگیری کند. در این چارچوب کلی است که نقش بودجه به عنوان ابزار سیاست‌گذاری اقتصادی در کشور تعیین و تعریف می‌شود. در این قسمت این دو وجه از بودجه‌ریزی در کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- نقش بودجه در اجرای سیاست‌های مالی یک‌ساله

به عنوان یک سند مالی یک‌ساله بودجه به تأمین مالی اداره امور حکومت (امور عمومی) ارائه خدمات اجتماعی (خدمات آموزشی، بهداشت، فرهنگ و خدمات رفاهی...) و ارائه خدمات اقتصادی (صنعت کشاورزی بازرگانی...) و اقدامات زیربنایی (مجموع طرح‌هایی که از طریق بودجه عمرانی تأمین اعتبار می‌شود) می‌پردازد.

ارقام بودجه از طریق تعیین سقف اعتبار، منابع ریالی موجود برای هر فعالیت را تعیین و در نتیجه عامل اصلی بسط یا قبض فعالیت‌های مختلف محسوب می‌شود. لکن نقش بودجه در اداره امور کشور فراتر از تعیین سقف اعتبارات است. معمولاً تبصره‌هایی که همراه بودجه به تصویب می‌رسند نقش مهمی در ارائه اختیارات قانونی به قوه مجریه ایفا می‌کرده‌اند. این تبصره‌ها در بسیاری موارد نحوه هزینه کردن و اعتبارات بودجه توسط دستگاه‌های اجرایی را تعیین می‌کنند و در این امر به تدریج تبعیض قابل ملاحظه‌ای در اختیارات و در نتیجه قدرت دستگاه‌های مختلف در امر هزینه کردن ایجاد کرده‌اند. برای مثال اعتبارات خارج از شمول قوانین محاسباتی یا اختیاراتی که وزارت کشاورزی یا جهادسازندگی از طریق تبصره‌های قانونی یا سایر قوانین اخذ کرده‌اند و تعیین اعتباراتی که در زمان تصویب تخصیص یافته تلقی می‌شوند قابل ذکر است. این اختیارات بعضاً در خلاف جهت همان اصولی است که قوانین عمده مالی کشور بر مبنای آن تنظیم شده‌اند.

علاوه بر این که بودجه ارقام درآمد و هزینه دولت را در بر می‌گیرد و از طریق تبصره‌های الحاقی به بودجه اختیارات خاص برای دستگاه‌ها تعیین می‌شود چند نقش دیگر بودجه نیز

قابل ذکر است. در طی بعضی از سال‌ها مشکلات مختلف قانونی دستگاه‌ها از طریق گنجاندن بعضی از تبصره‌هایی که جنبه بودجه‌ای نداشته است در لوایح بودجه بر طرف می‌شده است. به این معنی که دستگاه‌های اجرایی لوایح بودجه سالانه را محمل خوبی برای به تصویب رساندن قوانینی یافته‌اند که تصویب آنها از روش‌های متعارف وقت‌گیر یا مشکل بوده است. به همین دلیل تعداد تبصره‌های بودجه طی سال‌های مختلف پیوسته افزایش یافته و به حد مشکل‌زایی رسید. همین امر سبب شد که طی سال‌های اخیر (از ۱۳۷۱ به بعد) توجه خاصی به کاهش تبصره‌ها مبذول گردد. طی همین سال‌ها مجلس شورای اسلامی بیشتر به این امر توجه نموده است که تبصره‌های غیربودجه‌ای در لوایح و قوانین بودجه سنواتی گنجانده نشود.

برای لوایح و قوانین بودجه به عنوان یک ابزار سیاست‌گذاری نقش دیگری نیز قابل ذکر است. طی مراحل تدوین و تصویب بودجه این امکان فراهم می‌آید که در مورد مشکلات، شرایط، فرصت‌ها و افق‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور بین ارکان مختلف حکومت از جمله قوه مجریه و مقننه بحث و تبادل نظر شده و ارکان مختلف به مبادله اطلاعات و آگاهی‌ها و طرح نگرانی‌ها و انتظارات خود بپردازند و از این طریق در امور کلی کشور تا حدودی هماهنگی و هم‌نظری ایجاد کنند. این نقش بودجه در تمام کشورها حائز اهمیت است. لکن در کشور ما به دلیل عدم وجود نظام و تشکیلات سیاسی سازمان یافته از قبیل احزاب از اهمیت مضاعف برخوردار است. به همین دلیل نیز مراحل تشریح و تبادل اطلاعات و اعمال نظرهای مختلف در مورد بودجه در دولت و مجلس شورای اسلامی به صورت فشرده ماه‌ها به طول می‌انجامد.

۲- ارتباط سیاست‌گذاری در برنامه‌های پنج‌ساله با بودجه‌های سالانه

طبق قوانین موجود برنامه و بودجه کشور یک بودجه سالانه باید جزء یک‌ساله از برنامه پنج‌ساله باشد. در قوانین برنامه پنج‌ساله نیز معمولاً تأکید می‌شود که قسمت‌هایی از برنامه در چارچوب بودجه هر سال به اجرا درآید به نحوی که برنامه پنج‌ساله به صورت پنج لایحه بودجه سالانه قابل اجرا باشد. از این زاویه هر قانون بودجه در واقع یک برنامه یک‌ساله

محسوب می شود.

یک برنامه پنج ساله یک لایحه قانونی است که برای پنج سال تصویب شده است. لکن به دلیل تغییر شرایط خواهانخواه نیازمند تغییر و تصحیح است. برای اعمال این تغییر و تصحیح‌ها نیز تصویب مجلس شورای اسلامی ضرورت می‌یابد. به این دلیل نیز قوانین بودجه سالانه ابزاری برای تغییر و تعدیل برنامه‌های پنج‌ساله به مرور زمان و بر مبنای شرایط روز است.

به طور خلاصه یک لایحه یا قانون بودجه سنواتی علاوه بر این‌که به امور خاص سیاست‌گذاری سالانه می‌پردازد عامل اجرای سیاست‌های بلندمدت نظام نیز محسوب می‌شود. چنانکه مرور روندهای زمانی ارقام بودجه به وضوح روند اتخاذ سیاست‌های کلان کشور را مشخص می‌کند. برای مثال در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی دو برنامه به اجرا درآمده است. در روند زمانی بودجه جاری افزایش سهم بودجه بخش‌های اجتماعی که منعکس‌کننده سیاست دولت در توسعه آموزش عمومی و دانشگاهی است قابل تشخیص است. همچنین در بودجه جاری سهم بودجه بخش‌های اقتصادی کاهش یافته و این نیز منعکس‌کننده سیاست دولت در هدایت قسمت‌های اقتصادی بخش دولتی (مخابرات، پست، صنایع، معادن و نیرو...) به سوی خودکفایی مالی است. از طرف دیگر در روند زمانی بودجه‌های عمرانی تأکید افزایش سهم بودجه عمرانی فصول زیربنایی قابل ملاحظه است این امر نیز بیان‌کننده توجه برنامه‌های دولت به بخش‌های زیربنایی در طی دو برنامه گذشته بوده است. ملاحظه هماهنگی این روندهای بودجه‌ای با سیاست‌های برنامه‌ای نشان می‌دهد که علی‌رغم تغییرات و تعدیل برنامه‌ها در بودجه‌های سالانه خط‌مشی‌های خاصی از برنامه‌ها نیز به صورت مستمر مورد پیگیری قرار می‌گیرد.

بررسی قوانین بودجه همچنین ضعف‌های سیاست‌گذاری کلان را نیز مشخص می‌کند. به عنوان نمونه عدم سازگاری درونی ارقام بودجه و تبصره‌ها و مهم‌تر از همه کسر بودجه‌های مستمر آشکار و پنهان که عدم سازگاری درونی بین درآمدها و هزینه‌ها را منعکس می‌کند، به عنوان نمونه‌های دیگر بر خوردهای مختلف یک بام و دو هوا با بودجه دستگاه‌های مختلف و همچنین شرایط بسیار متفاوت در برخورد با بودجه عمومی و بودجه شرکت‌های دولتی که بر مبنای اصول مالیه قابل توجیه نیست را می‌توان ذکر کرد.

۳- بودجه و مشکلات سیاست‌گذاری

در کشور ما نیز بودجه علی‌الاصول ابزار تدوین و اجرای سیاست مالی است و قوانین و تاریخچه بودجه‌نویسی در ایران بر این امر تصریح دارد. لکن عملاً در این زمینه همیشه دو دسته اشکال یا استثنا ظاهر می‌شده است. یک دسته از اشکالات مربوط به حذف یا از قلم افتادن بایدهای مالی از بودجه است. دسته دوم اشکالات را می‌توان مربوط به ورود و دخیل شدن بعضی نیایدها در چارچوب بودجه‌های سالانه دانست.

۴- حذف بایدها از بودجه

اگر قرار باشد بودجه یک سند سیاست‌گذاری مالی باشد، باید براساس خط‌مشی‌های تعیین شده و معلوم در مورد ثبات، رونق و رکود اقتصاد کشور تنظیم شود و در این زمینه‌ها اهداف مشخص و تعیین شده‌ای را پیگیری نماید. برای مثال در زمان‌های رکود سیاست انبساطی و در زمان تورم سیاست انقباضی پیگیری کند. لکن در عمل این وجه از سیاست‌گذاری مالی از بودجه‌های کشور غایب بوده است. بودجه‌ریزی بیشتر نقش تعیین و تقسیم هزینه برای ارگان‌ها و دستگاه‌های مختلف حکومتی را به عهده داشته و ارتباط مستقیم با شرایط رونق و رکود و تورم کشور نداشته است. عملاً بودجه کشور پیوسته بار تورمی به همراه داشته است. آن هم نه براساس تصمیم از قبل تعیین شده بلکه براساس تصمیم‌گیری‌ها و بحث‌ها و مجادله‌های سیاسی. برعکس آنچه انتظار می‌رود، پس از تصویب بودجه کارشناسان تخمین می‌زنند که بودجه مصوب تا چه حد بار تورمی به همراه خواهد داشت. این که میزان تورم و تأثیر کلان بودجه طی زمان‌های مختلف متفاوت بوده است براساس تدابیر از پیش تعیین شده و قابل پیگیری مالی نبوده بلکه عمدتاً براساس درجه تحقق درآمدهای حاصل از صادرات نفت بوده است.

یکی از اثرات اقتصادی غیرمستقیم بودجه اثر آن بر فعالیت بخش خصوصی است. چه این که وارد شدن دولت در اقدامات مالی مانند کسب درآمد و هزینه کردن آن بر فعالیت بخش خصوصی و عموم مردم اثرات متفاوت اعمال می‌کند. اجرای بودجه بعضاً به عنوان مکمل و زمینه‌ساز فعالیت‌های مردمی به ایجاد فرصت‌ها و شرایط مناسب فعالیت مردم ختم شده و

بعضاً نیز مردم را از فعالیت اقتصادی خارج کرده و عرصه را بر آنها تنگ می‌کند. ابعاد این دو وجه از اثرات بودجه در مراحل بودجه‌ریزی کشور مورد توجه قرار نگرفته و از قبل در مورد آنها تصمیم‌گیری نمی‌شود. از این نظر عملاً بودجه‌های دولت ابزار بسط بخش دولتی و کاهش زمینه فعالیت‌های مردمی را فراهم ساخته است.

در متون متعارف مالیه عمومی به نقش بودجه و خصوصاً ساختار درآمدی آن به بهبود کارایی نظام اقتصادی و تصحیح عدم کارایی در ساز و کارهای اقتصادی توجه شده است. در این زمینه ترکیب درآمدهای مالیاتی نقش حساسی ایفا می‌کند. این‌که درآمدهای مالیاتی دولت و نرخ‌های مالیاتی چه اثراتی بر اقتصاد کشور و تصحیح اغتشاش‌ها و ایجاد اغتشاش در ساز و کارهای آن ایفا می‌کنند کمتر مورد توجه قرار گرفته و اصولاً هیچ مورد قابل ذکر وجود ندارد که این امر در مباحث بودجه‌ای در دولت یا مجلس مورد توجه قرار گرفته باشد. گویی مالیات فقط ابزاری برای تأمین قسمتی از هزینه‌هایی است که در بودجه مورد تصویب قرار می‌گیرد. به همین دلیل نیز گرچه مالیات‌ها رقم کوچکی از درآمدها را تشکیل می‌دهد لکن اثر ایجاد اغتشاش آن در عملکرد اقتصاد کشور و هزینه اجتماعی اخذ آنها قابل توجه و اثر سیاست‌گذاری آن در رفع ناکارایی‌ها یا بهبود توزیع درآمد و ثروت ناچیز بوده است.

طی سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل بعضی از اصول قانون اساسی (از جمله اصل ۴۴ قانون اساسی) وظایف دولت توسعه یافت. همچنین شرایط جمعیتی و تحولات تاریخی دیگر نیز در بسط دولت مؤثر واقع شد. از جمله برای مثال تعداد شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به شدت افزایش یافت و توجه بیشتر دولت به رفع محرومیت و ارائه خدمات اجتماعی و مانند آن ابعاد دولت را گسترش داد. لکن چارچوب و اصول کلی قوانین مالی کشور همچنان ثابت باقی ماند و تصویب قوانین بعدی نیز کمکی به انطباق اساسی قوانین موجود با شرایط جدید نکرد. در نتیجه مشکلات قابل ملاحظه‌ای در امور مالی بخش عمومی ایجاد شده است. شرکت‌های دولتی در قالب قوانین موجود تحت برنامه و نظارت کافی قرار ندارند. قوانین مالی و معاملاتی ناظر بر فعالیت شهرداری‌ها (از جمله چگونگی کسب درآمد و نحوه هزینه کردن آنها) و نظارت بر گردش کاری آنها دارای خلأهای اساسی است. این مسائل در پیشنهاد‌های مربوط به برنامه دوم نیز مطرح شد لکن مورد توجه کافی

قرار نگرفت.

لازم به تأکید است که در اینجا به هیچ وجه تسری قوانین بودجه و محاسبات عمومی موجود به شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها پیشنهاد نمی‌شود زیرا همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، قوانین مذکور نیز علی‌الاصول قدیمی و دارای نقایص اساسی است. در حال حاضر تدوین قوانین خاص برای رفع مشکلات شرکت‌های دولتی و سایر مؤسساتی که در آنها اخذ منابع از مردم و هزینه کردن آنها مطرح می‌باشد امری ضروری است. این قوانین باید به گونه‌ای تدوین شوند که قواعد یکسانی بر هر ریال منابع بخش عمومی اعمال شود. خواه این منابع توسط وزارتخانه‌ها جمع‌آوری و مصرف شود یا شرکت‌ها یا شهرداری‌ها و مانند آن.

۵- شمول نپایدها در بودجه

در کشور ما بودجه و بودجه‌ریزی به مرور وارد قلمروهایی شده است که اصالتاً به امر سیاست‌گذاری مالی مربوط نمی‌شود. برای مثال سیاست‌گذاری پولی به نحو قابل توجهی تحت تأثیر سیاست‌های مالی قرار داشته و تابع آن بوده است. به این معنی که کسری بودجه‌های آشکار و پنهان از طریق بسط پایه پولی تأمین می‌شده و این عامل دلیل عمده تورمی بودن بودجه طی سال‌های مختلف بوده است. علاوه بر این سیاست‌های اعتباری تحت تأثیر بودجه قرار داشته است. به این نحو که از طریق تبصره‌های تکلیفی اعتبارات سیستم بانکی به مصارف مختلف تخصیص می‌یافته به نحوی که افزایش این نقش سبب شده است که در سال‌های اخیر تقریباً تمام اعتبارات بانکی از طریق بودجه تعیین تکلیف شده و قسمت عمده آن نیز به مصارف بخش عمومی هدایت می‌شده است. این امر عواقب بسیار نامطلوبی را به همراه داشته است. زیرا از یک طرف اختلال قابل ملاحظه در مکانیسم‌های پولی و بانکی ایجاد کرده و از طرف دیگر درآمدهای بادآورده نصیب کسانی نموده که از اعتبارات تبصره‌های بودجه بهره‌مند شده‌اند و علاوه بر آن اقشار وسیعی از بخش خصوصی و مردم را از دسترسی به منابع اعتباری که از محل پس‌اندازهای آنها فراهم می‌شده محروم ساخته است. بودجه‌های سالانه به زمینه‌های دیگری نیز وارد شده که طبعاً باید خارج از قلمرو سیاست مالی مورد توجه قرار می‌گرفت. برای مثال سهمیه‌بندی ارزی و تعیین نرخ ارز یا سیاست‌های

ارزی و همچنین خط‌مشی‌های بازرگانی و صادرات و واردات نیز به شکل‌های مختلف در چارچوب بودجه‌های سنواتی انجام می‌شده است. این وجوه از سیاست اقتصادی نیز نه براساس نتایج و عواقب اقتصادی آنها بلکه عمدتاً برای تأمین منابع مالی برای هزینه‌های تعیین شده در بودجه پیگیری شده است.

۶- مروری بر روند مخارج بودجه از سال ۱۳۰۷ تاکنون

مطالعه و مقایسه بودجه‌های سالانه و ارقام موجود در آنها به صورت آمارهای سری زمانی با اشکالات فراوانی مواجه است. از زمان تهیه اولین بودجه توسط صنایع‌الدوله که هنگام تقدیم آن به مجلس توسط عمال خارجی ترور شد، نزدیک به یک قرن می‌گذرد. طی این مدت چندین مرتبه نحوه طبقه‌بندی ارقام بودجه و تعاریف سرفصل‌های بودجه تغییر کرده است. به علاوه حوزه فعالیت وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی نیز به طور دائم در حال تغییر بوده است. به همین دلیل نمی‌توان ارقام بودجه را برای سال‌های متمادی با یکدیگر مقایسه نمود. به‌علاوه اگرچه قوانین و لوایح بودجه مربوط به سال‌های مختلف در دست است اما، از عملکرد بودجه دولت در بسیاری از سال‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست و از این جهت نیز نمی‌توان بررسی کاملاً دقیقی از ارقام سال‌های دورتر به عمل آورد.

علی‌رغم وجود مشکلات فوق می‌توان ارقام بودجه دولت را در یک روند کلی و در مقاطع مختلف زمانی بررسی نمود. در این قسمت، مخارج عمومی دولت را در چند دوره به طور مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم تا گرایش‌های موجود در تخصیص بودجه دولت در ادوار مختلف مشخص گردد. بررسی مخارج عمومی دولت را از سال ۱۳۰۷ هجری شمسی آغاز می‌کنیم. زیرا از زمان تدوین اولین لایحه بودجه به مجلس تا سال ۱۳۰۷ ارقام قابل اعتمادی در دست نیست.

۱- سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷

اولین دوره‌ای که مورد مطالعه قرار می‌گیرد سال‌های ۱۳۰۷-۱۳۱۷ است. ارقام مخارج

مربوط به این دوره در جدول شماره ۱ موجود است. در این جدول اعتبارات تخصیص یافته به وزارتخانه‌ها در دوره مورد بررسی منعکس شده است. در جدول ۲ با استفاده از ارقام جدول شماره ۱ سهم هر وزارتخانه در سال‌های مختلف مشخص شده است.

ارقام جداول مذکور نشان می‌دهد که در ابتدای دوره یعنی در سال ۱۳۰۷ وزارتخانه‌های صنایع و معادن، تجارت (بازرگانی) و فلاح (کشاورزی) از اعتبارات بودجه عمومی سهمی نداشته‌اند و سهم وزارتخانه‌های طرق و فواید عامه (راه) و صحیحه (بهداری) در مجموع حدود ۲/۲ درصد کل بودجه بوده است. در سال ۱۳۰۷ معادل ۴۰/۷ درصد بودجه عمومی دولت به وزارت جنگ و ۲۲/۲ درصد آن به وزارت مالیه (دارایی) تعلق داشته است. طی سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ در سهم وزارتخانه‌ها تغییرات قابل توجهی روی می‌دهد.

طی دوره مذکور در حالی که کل مخارج بودجه عمومی به طور متوسط سالانه ۱۸/۷ درصد افزایش یافته و همراه با آن بودجه تمام وزارتخانه‌ها نیز روندی رو به صعود داشته است. سهم برخی از وزارتخانه‌ها به سرعت افزایش یافته و در مقابل سهم تعدادی از آنها کاهش یافته است. به عنوان مثال در تمام طول دوره مرتباً از سهم وزارت جنگ کاسته شده و به سهم وزارتخانه‌های صنایع و معادن و طرق و فواید عامه افزوده شده است. در سال ۱۳۱۷ سهم وزارتخانه‌های جنگ، صنایع و معادن، طرق و فواید عامه و مالیه از بودجه عمومی به ترتیب برابر ۲۶/۴ درصد، ۲۰/۶ درصد، ۱۰/۵ درصد و ۱۸ درصد بوده است.

روند تغییرات ترکیب بودجه در این دوره حاکی از افزایش توجه دولت به توسعه صنعت و امکانات زیربنایی در آن زمان بوده است. علاوه بر این در آن زمان اعتبارات مربوط به بهداشت عمومی (اعتبارات مربوط به وزارت صحیحه) به سرعت افزایش یافته است. اعتبارات وزارت صحیحه در این دوره به طور متوسط سالانه ۲۸/۶ درصد افزایش یافته است. به طور کلی در این دوره سهم وزارتخانه‌های صحیحه، صنایع و معادن، تجارت، طرق فواید عامه و فلاح افزایش یافته و سهم سایر وزارتخانه‌ها مثل جنگ، امور خارجه، عدلیه، دربار داخله، پست، تلگراف و تلفن، معارف و مالیه کاهش یافته است.

۲- سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۷

دومین دوره مورد مطالعه سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۷ است. ارقام مربوط به این دوره در جداول ۳ و ۴ منعکس شده است. به طوری که ارقام جداول مذکور نشان می‌دهند، در سال‌های اولیه این دوره روند تغییرات ترکیب بودجه میان وزارتخانه‌ها مانند دهه ۱۳۰۷-۱۳۱۷ ادامه می‌یابد. در این دوره تا سال ۱۳۲۰ همچنان سهم وزارتخانه‌های جنگ، داخله عمومی (کشور)، دربار و برخی دیگر از وزارتخانه‌ها از بودجه عمومی کاهش می‌یابد و در مقابل به سهم وزارتخانه‌های دیگر از جمله وزارتخانه‌های صحیحه، صنایع و معادن، فلاحت (کشاورزی) و طرق و فواید عامه افزوده می‌شود. در سال ۱۳۲۰ وزارت جنگ ۱۴/۲ درصد، وزارت داخله عمومی ۲/۹ درصد، وزارت صنایع و معادن ۲۳/۹ درصد و وزارت طرق و فواید عامه ۲۶/۲ درصد از اعتبارات را به خود اختصاص داده‌اند.

از سال ۱۳۲۱ اثر درگیر شدن کشور در حوادث جنگ جهانی دوم روند تغییرات ترکیب بودجه عمومی دگرگون می‌شود. در این دوره اعتبارات مربوط به وزارتخانه‌های صنایع و معادن و طرق و فواید عامه به سرعت کاهش می‌یابد و در مقابل اعتبارات مربوط به برخی از وزارتخانه‌ها از جمله وزارت جنگ و وزارت داخله (کشور) به سرعت افزایش می‌یابد. در پایان این دوره یعنی در سال ۱۳۲۷ سهم وزارتخانه‌های جنگ، کشور، معارف و مالیه از بودجه عمومی به ترتیب برابر ۲۸/۳ درصد، ۱۶/۷ درصد، ۱۱/۶ درصد و ۲۰ درصد بوده است. در نمودار شماره ۱ روند تغییرات سهم وزارتخانه‌ها در مخارج بودجه عمومی از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۷ ترسیم شده است.

۳- سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۲

سومین دوره‌ای که مورد مطالعه قرار می‌گیرد سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۴۲ است. در این دوره کشور با چندین بحران سیاسی و مالی روبه‌رو می‌شود. بحران‌های اول این دوره عمدتاً ریشه در جریان ملی شدن نفت دارند. به دلیل اهمیت درآمدهای نفتی در توسعه اقتصادی کشور و به دنبال ملی شدن نفت و قطع موقت این درآمد کشور با بحران مالی مواجه شد. پس از ملی شدن نفت کشور انگلیس بر آن شد که از فروش نفت ایران در بازارهای جهانی جلوگیری کند و در این کار حتی از قوه قهریه نیز استفاده کرد. در ابتدای این دوره حدود ۸۵ درصد از

درآمدهای ارزی ایران و حدود ۴۰ درصد از بودجه عادی کشور از عواید نفت تأمین می‌شد و قرار بود اعتبارات سازمان برنامه و بودجه که در سال ۱۳۲۷ برای اجرای برنامه‌های عمرانی در کشور ایجاد شده بود نیز از درآمدهای حاصل از صادرات نفت تأمین شود.

در پی ملی شدن صنعت نفت صادرات نفت ایران و درآمدهای حاصل از آن به سرعت کاهش یافت به گونه‌ای که میزان درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت که در سال ۱۳۲۷ معادل ۵۳۵/۶ میلیون دلار بود در سال ۱۳۳۰ به ۲۱۲/۲ میلیون دلار و در سال ۱۳۳۲ فقط به ۲/۷ میلیون دلار یعنی در حد صفر تقلیل یافت. علاوه بر این در آن زمان انگلستان ایران را محاصره اقتصادی نمود و سپرده‌های ایران را در بانک‌های آن کشور توقیف کرد. در همین زمان بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه نیز از پرداخت وام مقرر برای اجرای برنامه‌های عمرانی به ایران سرباز زد و به این ترتیب بحران مالی گسترده‌ای در کشور ایجاد شد. دولت وقت با اتخاذ تدابیری که در آن زمان به سیاست اقتصادی بدون نفت شهرت یافت به مقابله با بحران مالی پرداخت. مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی دولت در آن زمان برای مقابله با بحران عبارت بودند از:

۱- محدود کردن واردات و تشویق صادرات غیرنفتی (طی سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۳۲ واردات کالاها و خدمات از ۵۸۲ میلیون دلار به ۱۸۸/۹ میلیون دلار تنزل یافت و میزان صادرات غیرنفتی از ۵۷/۴ میلیون دلار به ۹۳/۱ میلیون دلار رسید)؛

۲- تثبیت بهای مایحتاج عمومی؛

۳- برقراری مالیات‌های جدید بر دخانیات و اتومبیل‌های وارداتی؛

۴- انتشار اوراق قرضه ملی؛

۵- تقلیل میزان پشتوانه اسکناس برای تأمین هزینه‌های دولت (رشد حجم پول)؛

۶- تقلیل هزینه‌های جاری دولت و متوقف ساختن اغلب طرح‌های عمرانی.

جدول شماره ۵ بودجه عمومی دولت را به تفکیک جاری و عمرانی در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۲ نشان می‌دهد. به طوری که در این جدول ملاحظه می‌شود تا سال ۱۳۳۲ ارقام مخارج رشد زیادی ندارند و سهم بودجه‌های جاری تا سال ۱۳۳۴ بالاتر از ۹۰ درصد و حتی در بعضی از سال‌ها در حدود ۹۹ درصد بوده است.

از سال ۱۳۳۳ به بعد در پی تغییر شرایط سیاسی کشور و شروع مجدد صادرات نفت

مخارج دولت سریع تر از قبل رشد می کند و از سال ۱۳۳۵ سهم بودجه های عمرانی در کل بودجه افزایش و در مقابل سهم بودجه های جاری کاهش می یابد. در سال ۱۳۴۲ کل بودجه عمومی دولت معادل ۶۶/۹۰ میلیارد ریال بوده که ۶۷/۶ درصد آن را بودجه جاری و بقیه را بودجه عمرانی تشکیل می داد. به طوری که ملاحظه می شود مخارج دولت طی سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ بیشتر از ۵ برابر افزایش می یابد.

۴- سال های ۱۳۴۲ تاکنون

هزینه های بودجه عمومی که در سال ۱۳۴۲ معادل ۶۶/۹ میلیارد ریال بوده در سال های بعد به سرعت افزایش یافته و در سال ۱۳۵۶ به ۲۴۹۲/۲ میلیارد ریال بالغ می گردد. طی سال های ۱۳۵۷-۱۳۶۷ مخارج عمومی دولت به سرعت افزایش می یابد و به ۴۲۱۰/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ می رسد. در طول برنامه اول یعنی در سال های ۱۳۶۸-۱۳۷۲ و پس از آن مخارج بودجه عمومی با رشد سریع تری افزایش می یابد و در سال ۱۳۷۴ به ۴۱۹۶۲ میلیارد ریال بالغ می گردد. نظر به این که این افزایش سریع عمدتاً ناشی از تغییرات سطح عمومی قیمت هاست. در این بخش از بررسی هزینه های عمومی دولت به قیمت ثابت مورد بررسی قرار می گیرد.

نمودار شماره ۲ هزینه های عمومی دولت را به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ نشان می دهد. به طوری که این نمودار نشان می دهد در سال های ۱۳۴۲-۱۳۵۶ هزینه های عمومی دولت به قیمت ثابت به سرعت افزایش می یابد و از ۳۳۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۲ به رقمی در حدود ۴۲۰۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ بالغ می گردد.

رشد سریع مخارج در این دوره ناشی از بهبود وضع مالی و افزایش درآمدهای حاصل از صادرات نفت بوده است. از سال ۱۳۵۷ به بعد هزینه های بودجه عمومی به سرعت کاهش یافته و این وضعیت تا سال ۱۳۶۷ ادامه می یابد. در این سال هزینه های بودجه عمومی به قیمت ثابت معادل ۱۷۹۷ میلیارد بوده است. در این دوره به طور متوسط هزینه های بودجه عمومی به قیمت ثابت سالانه ۷/۴ درصد کاهش می یابد. در همین دوره مخارج جاری به قیمت ثابت سالانه ۴/۹ درصد و مخارج عمرانی سالانه ۱۴ درصد کاهش یافته است. کاهش بسیار سریع مخارج عمرانی نشان می دهد که در زمان بروز محدودیت، مخارج عمرانی بیشتر

از مخارج جاری کاهش می‌یابد. مشابه این پدیده در دوره‌های گذشته نیز روی داده است. لازم به ذکر است که کمک دولت به برخی از شرکت‌های دولتی از محل بودجه عمومی در این دوره کاهش یافته و در نتیجه این قبیل شرکت‌ها به استفاده از منابع سیستم بانکی روی آوردند. از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۲ مخارج جاری و عمرانی و در نتیجه کل هزینه‌های عمومی به قیمت ثابت با آهنگ به نسبت سریعی افزایش یافت. اما از سال ۱۳۷۳ آهنگ رشد هزینه‌ها آهسته‌تر شده است.

به طوری که در نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد همیشه سطح هزینه‌های جاری به قیمت ثابت از سطح هزینه‌های عمرانی به قیمت ثابت بیشتر بوده است این مسئله در مورد هزینه‌های جاری و عمرانی به قیمت جاری نیز مصداق دارد اما میزان اختلاف در قیمت‌های جاری به مراتب کمتر است. علت این امر ناشی از رشد سریع تر شاخص قیمت در فعالیت‌های عمرانی است. این امر نشان می‌دهد فعالیت‌های عمرانی دولت به مراتب بیشتر از فعالیت‌های جاری در معرض تورم قرار دارند. بنابراین بهتر است که مدیریت پروژه‌های عمرانی به گونه‌ای صورت گیرد که طول زمان اجرای پروژه‌ها به حداقل ممکن تقلیل یابد. به منظور بررسی نحوه توزیع هزینه‌های جاری میان فعالیت‌های مختلف، هزینه‌های جاری انجام شده توسط دولت در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۷۴ به شرح زیر دسته‌بندی گردید.

- هزینه‌های انجام شده برای اداره امور عمومی و دفاعی کشور شامل فصول:

تنظیم روابط قوای سه گانه، قانون‌گذاری، اداره امور عمومی کشور، اداره امور قضائی و ثبتی، اجرای سیاست داخلی، حفظ نظم و امنیت داخلی کشور، اداره روابط خارجی، ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی، اداره امور نیروی کار، تأمین مسکن و امور دفاعی.

- هزینه‌های انجام شده برای توسعه انسانی شامل فصول:

اطلاعات و ارتباطات جمعی، آمار و خدمات عمومی و فنی، آموزش و پرورش عمومی، فرهنگ و هنر، بهداشت و درمان و تغذیه، تأمین اجتماعی، تربیت بدنی و امور جوانان، حفاظت محیط زیست، آموزش عالی و تحقیقات، آموزش فنی و حرفه‌ای و جهانگردی.

- هزینه‌های انجام شده برای توسعه زیربنای فیزیکی شامل فصول:

منابع آب، برق، نفت، گاز، راه‌ترابری، پست و مخابرات، عمران شهرها، عمران و نوسازی روستاها و عملیات چند منظوره توسعه نواحی خاص.

- هزینه‌های انجام شده برای توسعه تولید شامل فصول:

کشاورزی و منابع طبیعی، صنایع و معادن.

لازم به ذکر است که هزینه‌های متفرقه نیز با توجه به عملکرد به نسبت ۵۰، ۲۵، ۱۰ و ۱۵ درصد میان گروه‌های فوق تقسیم گردید.

نتیجه این طبقه‌بندی در نمودار شماره ۳ نشان داده شده است. به طوری که نمودار نشان می‌دهد در سال ۱۳۵۰ حدود ۶۰ درصد از هزینه‌های جاری صرف امور عمومی و دفاعی، ۲۶ درصد صرف توسعه انسانی، ۸ درصد صرف توسعه زیربنای فیزیکی و ۶ درصد صرف توسعه تولید شده است. طی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۶ ترکیب مخارج جاری با کمی تغییر تقریباً در همین حدود باقی می‌ماند. از سال ۱۳۵۷ به تدریج سهم امور عمومی و دفاعی کاهش یافته و به سهم مخارج برای توسعه انسانی افزوده می‌شود. به طوری که در سال ۱۳۵۹ سهم دو گروه فوق به تدریج به سمت ۴۰ درصد میل می‌کند. طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۲ این وضعیت تقریباً ادامه می‌یابد و پس از آن به تدریج سهم مخارج برای امور عمومی و دفاعی کاهش یافته و در مقابل به سهم مخارج برای توسعه انسانی افزوده می‌شود. این وضعیت تا سال ۱۳۷۱ ادامه می‌یابد. در سال ۱۳۷۱ حدود ۵۷ درصد مخارج انجام شده برای توسعه انسانی، معادل ۳۱ درصد برای امور عمومی و دفاعی، ۷ درصد برای توسعه زیربناها و ۴ درصد برای توسعه تولید هزینه شده است. از سال ۱۳۷۲ سهم امور عمومی و دفاعی اندکی افزایش و سهم توسعه انسانی کاهش یافته است. با توجه به سهم اندک مخارج انجام شده برای توسعه زیربناها و توسعه تولید در مخارج جاری و ثابت ماندن آنها در طول دوره مورد بررسی مشخص می‌شود که اولاً، بخش عمده هزینه‌های جاری همواره صرف امور عمومی و دفاعی و صرف توسعه انسانی می‌شود و ثانیاً، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی به بعد بخش بیشتری از مخارج جاری صرف توسعه انسانی شده و این مسئله در طول برنامه اول تشدید گردیده و به این گروه از هزینه‌ها بیشتر توجه شده است. هر چند ممکن است که در صورت دخالت دادن ارز مصرف شده توسط دو گروهی که بیشترین سهم را در مخارج جاری دارند، توزیع فوق دستخوش تغییراتی شود اما به نظر نمی‌رسد که این تغییرات بسیار شدید باشد. بنابراین به طور خلاصه از بحث این قسمت می‌توان نتیجه گرفت که مجموعاً در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در طول برنامه اول اولویت در تخصیص اعتبارات جاری

بین دو گروه اصلی که هزینه‌های جاری را تشکیل می‌دهند با توسعه انسانی بوده است. شواهد دیگری نیز وجود دارد که این نظر را تقویت می‌نماید. گزارش‌های توسعه انسانی که توسط سازمان ملل تهیه و منتشر می‌گردد نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر مرتبه ایران به لحاظ شاخص‌های توسعه انسانی افزایش قابل توجهی داشته است.

برای بررسی ترکیب هزینه‌های عمرانی از گروه‌بندی انجام شده در امور هزینه‌های جاری با اندکی تفاوت استفاده شد. در این حالت هزینه‌های عمرانی فصل بازرگانی به بخش فعالیت‌های زیربنایی اضافه شد و اعتبارات متفرقه عمرانی به نسبت ۲۵، ۲۵، ۴۰ و ۱۰ درصد میان گروه‌های فوق توزیع گردید. علاوه بر اصلاح فوق به منظور شفاف‌تر شدن روند تغییرات در ترکیب هزینه‌های عمرانی، نظر به این که در برخی از مقاطع که دولت برای اختصاص بودجه عمرانی به فعالیت‌های عمرانی توسط شرکت‌های دولتی در تنگنا بوده کمک‌های خود را به این شرکت‌ها قطع کرده یا آن را کاهش داده و در عوض آنها را به سوی سیستم بانکی برای اخذ وام هدایت نموده، مخارج عمرانی شرکت‌های دولتی که از محل منابع داخلی خودشان یا از محل وام تأمین شده به هزینه‌های عمرانی اضافه شد و میان دو گروه هزینه برای توسعه زیربناها و توسعه تولید تقسیم گردید. مخارج عمرانی شرکت‌های دولتی بر اساس ۷۰ درصد ارقام بودجه مصوب آنها در قوانین بودجه برآورد گردید.

نتیجه کار در نمودار شماره ۴ منعکس شده است. نمودار مطالب زیر را به وضوح نشان می‌دهد:

- همواره بخش عمده منابع عمرانی دولت و شرکت‌های دولتی صرف توسعه زیربناهای فیزیکی شده است. سهم این گروه از فعالیت‌ها که در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۳ روندی نزولی داشته و از ۵۰ درصد در سال ۱۳۵۰ به ۳۴ درصد در سال ۱۳۵۳ کاهش یافته در سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۶ به شدت افزایش یافته و به حدود ۵۷ درصد در سال ۱۳۵۶ می‌رسد. پس از آن سهم این گروه از فعالیت‌های عمرانی کاهش می‌یابد و به حدود ۴۳ درصد در سال ۱۳۵۹ می‌رسد. از سال ۱۳۶۰ به بعد سهم توسعه زیربناها از منابع عمرانی دولت و شرکت‌های دولتی افزایش می‌یابد و به بالاتر از ۵۰ درصد می‌رسد. سهم این گروه از فعالیت‌ها در سال ۱۳۷۴ برابر ۵۹ درصد بوده است. بنابراین همواره توسعه زیربناهای فیزیکی اولویت اول را در جذب منابع دارا بوده است. به طوری که در اغلب سال‌ها بیشتر از ۵۰ درصد از منابع عمرانی دولت و شرکت‌های دولتی را به خود

اختصاص داده است.

- پس از توسعه زیربناها، توسعه تولید بیشترین سهم را در جذب منابع بودجه عمومی دولت و شرکت‌های دولتی به خود اختصاص داده است. سهم این گروه از فعالیت‌های طی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۷۴ معمولاً در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد در نوسان بوده است. سهم توسعه تولید از منابع بودجه عمومی دولت و شرکت‌های دولتی در سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۷۴ به ترتیب برابر ۲۶ و ۲۵ درصد بوده است.

- سهم فعالیت‌هایی که به توسعه انسانی مربوط است در بودجه عمومی دولت و شرکت‌های دولتی در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۷۴ در حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد در نوسان بوده است. به طوری که نمودار نشان می‌دهد سهم توسعه انسانی در طول برنامه اول در حال افزایش بوده اما در سال‌های اخیر سهم آن کاهش یافته است.

- سهم امور عمومی و دفاعی در مخارج عمرانی دولت و شرکت‌های دولتی در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۲ از ۱۲ درصد در سال ۱۳۵۰ به حدود ۲۸ درصد در سال ۱۳۵۲ افزایش می‌یابد. سهم این گروه از فعالیت‌ها که در سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۵۷ به تدریج کاهش یافته و به حدود ۷ درصد در سال ۱۳۵۷ رسیده در سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۶۰ افزایش یافته و به حدود ۱۶ درصد در سال ۱۳۶۰ می‌رسد. از سال ۱۳۶۱ به بعد به تدریج سهم امور عمومی و دفاعی از بودجه عمرانی دولت و شرکت‌های دولتی کاهش می‌یابد و به حدود ۴ درصد در سال ۱۳۷۴ می‌رسد. لازم به ذکر است که کاهش تدریجی سهم این گروه از فعالیت‌ها در بودجه عمرانی دولت امری طبیعی است زیرا با احداث ساختمان‌ها و تدارک امکانات مورد نیاز برای اداره امور عمومی و دفاعی کشور به تدریج نیاز به احداث این گونه مراکز در فرایند توسعه به طور نسبی کاهش می‌یابد. علاوه بر این کاهش سهم این گروه از فعالیت‌ها در مخارج عمرانی به معنی کاهش مقدار مطلق مخارج عمرانی در این فعالیت‌ها نیست و تنها نشان می‌دهد که سرعت رشد آن کمتر از سرعت رشد دیگر فعالیت‌ها بوده است.

بخش دوم: اطلاعات مربوط به سئوال دوم

تصاویری از لایحه بودجه سال ۱۳۸۰ و مقایسه آن با قوانین بودجه سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ کل کشور

۱- بودجه کل کشور

به موجب ماده یک قانون محاسبات عمومی کشور از سه بخش عمده تشکیل گردیده است که شامل:

(مبالغ به میلیارد ریال)

شرح	لایحه ۱۳۸۰	قانون ۱۳۷۹	قانون ۱۳۷۸	قانون ۱۳۷۷	قانون ۱۳۷۶	قانون ۱۳۷۵	قانون ۱۳۷۴	درصد
الف- بودجه عمومی دولت	۱۵۹,۳۳۲	۱۲۷,۹۱۶	۱۰۹,۷۰۰	۹۰,۵۵۶	۸۱,۲۶۶	۶۱,۱۲۴	۴۶,۲۱۰	۲۸
ب- بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها	۲۹۱,۸۷۶	۲۳۹,۶۳۱	۱۷۹,۹۵۱	۱۵۰,۷۳۳	۱۱۶,۲۴۴	۸۷,۱۲۳	۶۳,۲۶۶	۶۶
ج- بودجه مؤسسات انحصاری و دولتی	۶,۸۶۱	۵,۲۷۵	۳,۰۸۳	۳,۲۳۳	۲,۴۰۲	۱,۹۳۶	۱,۳۵۸	۱
جمع	۴۵۸,۰۶۹	۴۶۷,۹۲۲	۲۹۲,۷۱۳	۲۴۴,۵۲۲	۲۰۰,۱۱۲	۱۵۰,۲۰۳	۱۱۰,۹۳۴	۱۱۵
کسر می‌شود								
ارقامی که دوبار منظور شده‌اند	(۸,۶۶۴)	(۷,۲۵۴)	(۱۶,۲۹۸)	(۱۳,۹۰۳)	(۱۱,۷۰۷)	(۱۲,۹۶۰)	(۱۴,۸۷۵)	(۱۵)
بابت تشنه محاسبه				(۲۲۹)	۲۱۷			
نتیجه				(۱۶,۱۳۲)	(۱۱,۴۹۰)			
بودجه کل کشور	۴۴۹,۹۰۵	۴۶۰,۶۶۸	۲۷۶,۴۱۵	۲۳۰,۶۲۰	۱۸۸,۶۲۲	۱۳۷,۲۴۳	۹۶,۰۵۹	۱۰۰
مالیات شرکت‌های دولتی و بانک‌ها				۱,۴۶۵	۷۶۵			
سود سهام شرکت‌های دولتی و بانک‌ها				۳۵۱	۱۲۹			
کمک زیان (جاری)	۱,۸۸۹	۱,۲۹۶	۲,۳۷۰	۲,۷۵۲	۱,۹۴۲	۱,۶۲۷	۹,۹۴۱	۲۵
اعتبارات طرح‌های عمرانی	۶,۱۷۵	۵,۷۵۸	۱۲,۰۳۸	۱۱,۱۵۱	۹,۷۶۵	۹,۵۱۷	۷,۰۹۰	۲۷/۶
جمع	(۸,۶۶۴)	(۷,۲۵۴)	(۱۶,۲۹۸)	(۱۳,۹۰۳)	(۱۱,۷۰۷)	(۱۲,۹۶۰)	(۱۴,۸۷۵)	۳۵/۸
بابت تشنه در محاسبات				(۲۲۹)	۲۱۷			
ارقامی که دوبار منظور شده است				(۱۶,۱۳۲)	(۱۱,۴۹۰)			

۱- اعداد کمالات شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و سود سهام شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و کمک‌ها و مؤسسات انحصاری و دولتی به دولت به بودجه عمومی دولت برای دستگاه‌های مذکور پرداخت محسوب می‌گردد و از طرفی برای بودجه عمومی دولت که به حساب درآمد عمومی واریز می‌شود در بابت حساب می‌آید و همچنین پرداخت‌هایی که از طرف بودجه عمومی دولت به عنوان کمک، بازو اعتبارات طرح‌های عمرانی صورت می‌گیرد، پرداخت قلنداد و برای شرکت‌های دولتی در بابت حساب می‌آید، لذا مجموع این اقدامات پنج رقم مذکور باید از طرفین دریافت‌ها و پرداخت‌های بودجه کل کشور کسر گردد تا حاصل بودجه کل کشور به دست آید و این رقم از ماده واحده نقل کشور منظور گردد.

۲- در مورد بودجه سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ نظیر آن در ماده ۱۳۸۰ و سود سهام شرکت‌های دولتی و اعتبارات درآمدی هر چه به مؤسسات انحصاری و دولتی که به درآمد عمومی انتقال یافته، در بودجه آنها منظور شده است، پس از تصویب ترازنامه و صورت سود و زیان که در سال بعد عملکرد سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۰ به درآمد عمومی واریز می‌گردد، محاسبه شده و کمک‌ها اعتبارات آن از بودجه عمومی دولت در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ پرداخت خواهد شد. از طرفین دریافت‌ها و پرداخت‌های بودجه کل کشور کسر و ماده واحده استخراج گردیده است.

۲- بودجه عمومی دولت

بودجه عمومی دولت از حیث دریافت‌ها شامل:

(مبالغ به میلیارد ریال)

شرح	لایحه ۱۳۸۰	قانون ۱۳۷۹	قانون ۱۳۷۸	قانون ۱۳۷۷	قانون ۱۳۷۶	قانون ۱۳۷۵	قانون ۱۳۷۴	درصد
درآمد عمومی	۱۳۶,۶۱۵	۱۱۱,۳۳۵	۹۷,۵۵۳	۸۸/۹	۷۵,۰۶۹	۹۲/۲	۲۲,۵۶۳	۹۲
درآمد اختصاصی	۲۲,۷۱۷	۱۶,۶۸۱	۱۲,۱۲۷	۱۱/۱	۸,۶۶۶	۹/۵	۳,۸۲۷	۸
جمع	۱۵۹,۳۳۲	۱۲۷,۸۱۶	۱۰۹,۷۰۰	۱۰۰	۹۰,۵۸۶	۱۰۰	۲۶,۴۱۰	۱۰۰

علاوه بر درآمدهای فوق، سالیانه به موجب قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین در احیای دستگاه‌های اجرایی وصول شده فرار می‌گرفت تا تمام یا درصدی از آن درآمد را به مصرف مواردی که در قانون ذکر شده است برساند این درآمد حزبی در درآمد عمومی محسوب می‌گردد این درآمد از سال ۱۳۷۸ حذف و کلاً به حساب درآمد عمومی واپس می‌گردد. لیکن هزینه‌های وصول این درآمدها طاهرأ بدون از نطایب با میزان وصولی آن از بودجه عمومی دولت تأمین می‌گردد.

بودجه عمومی دولت از حیث پرداخت‌ها شامل:

(مبالغ به میلیارد ریال)

شرح	لایحه ۱۳۸۰	قانون ۱۳۷۹	قانون ۱۳۷۸	قانون ۱۳۷۷	قانون ۱۳۷۶	قانون ۱۳۷۵	قانون ۱۳۷۴	درصد
اعتبارات جاری	۱۰۰,۵۸۲	۸۶,۹۴۵	۶۶/۵	۶۰/۲	۵۵,۵۳۱	۶۱/۳	۲۷,۷۶۷	۶۰
اعتبارات عمرانی	۳۱,۰۳۳	۲۶,۳۷۰	۲۰/۵	۲۹/۹	۲۰,۸۳۳	۳۳/۱	۱۶,۷۹۶	۳۳
جمع	۱۳۶,۶۱۵	۱۱۱,۳۳۵	۸۷	۹۰/۱	۸۶,۳۵۵	۹۵/۴	۴۴,۵۶۳	۹۲
کسری شود صرفه‌جویی حسن اجرای بوده	-	-	-	(۱/۲)	(۲,۳۵۵)	(۲/۹)	-	-
خرجه تسلیح درآمد اختصاصی	۲۲,۷۱۷	۱۶,۶۸۱	۱۳	۱۱/۱	۸,۶۶۶	۹/۵	۳,۸۲۷	۸
جمع	۱۵۹,۳۳۲	۱۲۷,۸۱۶	۱۰۰	۱۰۹,۷۰۰	۹۰,۵۸۶	۱۰۰	۲۶,۴۱۰	۱۰۰

۳- ترکیب اجزای بودجه عمومی دولت

بودجه عمومی دولت از حیث درآمد‌ها شامل:

(مبالغ به میلیارد ریال)

شرح	لایحه ۱۳۸۰	قانون ۱۳۷۹	قانون ۱۳۷۸	قانون ۱۳۷۷	قانون ۱۳۷۶	قانون ۱۳۷۵	قانون ۱۳۷۴	درصد
الف- درآمد عمومی و سایر منابع تأمین اعتبار	۱۳۶,۶۱۵	۱۱۱,۳۳۵	۸۷	۹۰/۱	۸۶,۳۵۵	۹۵/۴	۴۴,۵۶۳	۹۲
ملکیت‌ها	۳۳,۹۴۲	۳۳,۹۶۰	۳۰/۵	۲۹,۷۵۵	۳۰/۵	۱۹,۰۰۰	۱۰,۷۴۲	۱۷
مت‌وکلن	۶۸,۵۱۷	۵۷,۶۳۵	۵۱/۸	۲۱,۱۹۸	۲۱/۷	۳۱,۰۰۸	۲۷,۸۸۲	۵۹
درآمد حاصل از فروش ارز	۱,۱۵۵	۱,۱۵۵	۱	۱۶,۷۲۰	۱۵/۱	۸,۶۲۵	۲,۳۳۳	۵/۵
سایر	۲۱,۵۵۶	۱۷,۶۵۵	۱۵/۹	۳۱,۳۳۰	۳۲/۱	۱۶,۱۶۶	۱۱,۸۹۵	۱۷/۹
برگشتی در پرداخت‌های سال قبل	۱,۲۲۵	۶۰۰	۰/۸	۰/۶	۵۵۵	۰/۳	۲۵۰	۰/۶
ب- درآمد اختصاصی	۲۲,۷۱۷	۱۶,۶۸۱	۱۳	۱۲,۱۲۷	۱۱/۱	۸,۶۶۶	۳,۸۲۷	۸/۳
جمع درآمدها	۱۵۹,۳۳۲	۱۲۷,۸۱۶	۱۰۰	۱۰۹,۷۰۰	۹۰,۵۸۶	۱۰۰	۲۶,۴۱۰	۱۰۰

بودجه عمومی دولت از حیث هزینه‌ها شامل:
الف - اعتبارات جاری

(مبالغ به میلیارد ریال)

شرح	لایحه ۱۳۸۰	درصد	قانون ۱۳۷۹	درصد	قانون ۱۳۷۸	درصد	قانون ۱۳۷۷	درصد	قانون ۱۳۷۶	درصد	قانون ۱۳۷۵	درصد	قانون ۱۳۷۴	درصد
اعتبارات جاری:	۱۰۲,۵۸۲	۶۲/۲	۸۲,۹۶۵	۶۶/۵	۶۶,۰۵۳	۶۰/۲	۵۵,۵۲۱	۶۱/۳	۴۵,۷۱۲	۵۶/۱	۳۲,۲۹۷	۵۹/۲	۲۷,۷۶۷	۶۰
اعتبارات دستگاه‌های ملی با فصول مواد هزینه	۵۸,۱۸۷	۵۶/۷	۴۵,۷۷۸	۵۳/۹	۳۶,۹۱۲	۱۹/۶	۳۰,۲۸۶	۹/۶	۱۰,۱۲۳	۲۲/۲	۷,۷۱۸	۲۳	۷,۰۳۷	۲۵/۲
اعتبارات دستگاه‌های ملی بدون فصول مواد هزینه	۱۹,۱۲۳	۱۳/۸	۱۳,۳۲۸	۱۵/۷	۱۸,۱۶۳	۲۷/۵	۱۵,۶۳۷	۲۸/۲	۱۲,۶۶۲	۲۷/۷	۱۰,۵۱۳	۳۱/۶	۳,۳۱۲	۱۱/۹
اعتبارات دستگاه‌های تحت عنوان «کمک»	۳,۹۲۶	۳/۸	۳,۶۲۰	۲/۳	۱,۴۱۲	۱/۸	۲۲۹	-/۷	۲۵۱	-/۷	۷۳	-/۲	۲۰	-/۱
اعتبارات و دیف‌های متمرکز متفرقه	۹۶۲	۰/۹	۹۲۸	۱/۱	۹۷۱	۱/۵	۱,۲۲۱	۲/۲	۱,۰۹۷	۲/۴	۱,۰۲۰	۳	۲,۷۷۲	۱۰
اعتبارات بازپرداخت وام‌ها و دیون و پیش‌پرداخت‌ها	۲۵,۳۸۲	۲۲/۸	۲۱,۳۱۱	۲۵	۱۵,۲۸۰	۲۳/۴	۱۱,۷۳۶	۲۱/۲	۹,۵۷۹	۲۱	۵,۹۲۹	۱۷/۸	۳,۱۲۷	۱۲/۹

در قانون بودجه ۱۳۷۷ حدود ۵۴/۸ درصد اعتبارات جاری دارای فصول مواد هزینه می‌باشند.

در قانون بودجه ۱۳۷۸ حدود ۵۱/۲ درصد اعتبارات جاری دارای فصول مواد هزینه می‌باشند.

در قانون بودجه ۱۳۷۹ اعتبارات دستگاه‌های ملی برحسب فصول هزینه یا بدون فصول هزینه و کمک تفکیک نگردیده است.

در لایحه بودجه ۱۳۸۰ اعتبارات دستگاه‌های ملی برحسب فصول هزینه یا بدون فصول هزینه و کمک تفکیک نشده و برحسب فصل اول - هزینه پرسنلی و سایر فصول درج گردیده است.

ب- اعتبارات عمرانی

(مبالغ به میلیارد ریال)

شرح	لایحه ۱۳۸۰	درصد	قانون ۱۳۷۹	درصد	قانون ۱۳۷۸	درصد	قانون ۱۳۷۷	درصد	قانون ۱۳۷۶	درصد	قانون ۱۳۷۵	درصد	قانون ۱۳۷۴	درصد
اعتبارات عمرانی:	۳۲,۰۳۳	۲۱/۹	۲۶,۳۷۰	۲۰/۵	۲۳,۷۸۶	۲۹/۹	۲۰,۸۲۲	۳۲/۱	۲۰,۳۵۵	۳۲/۳	۲۲,۵۷۲	۳۷	۱۲,۷۹۶	۳۲
اعتبارات عمرانی ملی	۱۲,۱۰۰	۳۱/۲	۱۲,۵۰۹	۳۲/۴	۸,۷۱۰	۲۶/۵	۸,۷۲۵	۲۸/۳	۹,۲۸۵	۳۰/۶	۵,۹۱۸	۲۶/۲	۲,۰۶۲	۱۳/۹
اعتبارات عمرانی شرکت‌های دولتی	۶,۷۷۵	۱۹/۹	۵,۷۵۸	۲۱/۸	۲۱,۰۲۸	۶۲/۷	۱۱,۱۵۱	۳۶/۲	۹,۷۶۵	۳۶/۲	۹,۵۱۷	۳۲/۲	۷,۰۲۰	۲۷/۶
اعتبارات عمرانی استانی	۷,۰۵۷	۲۰/۷	۲,۰۲۵	۱۵/۳	۳,۲۸۰	۱۰	۳,۵۲۸	۱۱/۴	۳,۷۲۹	۱۲/۳	۲,۲۶۷	۱۱	۳,۶۳۱	۲۲/۵
هزینه‌های متمرکز متفرقه	۵,۷۷۱	۱۷	۳,۸۱۵	۱۲/۵	۵,۱۰۹	۱۵/۶	۵,۲۸۹	۱۷/۲	۵,۳۰۰	۱۷/۸	۲,۸۸۲	۱۲/۸	۱,۹۳۶	۱۳/۱
بازپرداخت وام‌ها و پیش‌پرداخت‌ها	۱۰۹	-/۳	۱۷۳	-/۷	۱,۳۶۹	۲/۲	۱,۹۰۸	۶/۲	۱,۹۶۰	۶/۲	۱,۸۷۷	۸/۳	۲۳	-/۳
کارمزد و سود تضمین شده وام‌ها	۲۲۶	۰/۷	۹۰	۰/۳	۲۰۰	۱	۲۳۳	-/۷	۲۲۶	-/۷	۱۰۸	-/۵	۸۲	-/۶
کسر می‌شود:	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
طرح‌های عمرانی بند وجه ماده واحده	-	-	-	-	-	-	(۱۹۵)	(۱)	-	-	-	-	-	-
جمع اعتبارات جاری و عمرانی (الف + ب)	۱۳۴,۶۱۵	۸۵/۷	۱۱۱,۳۳۵	۸۷	۹۸,۸۳۹	۹۰/۱	۸۶,۳۵۵	۹۵/۶	۷۶,۰۶۹	۹۳/۲	۵۵,۸۷۱	۹۱	۴۲,۵۶۳	۹۲
کسر می‌شود هزینه صرفه‌جویی مس‌احراز بودجه	-	-	-	-	-	-	(۲,۲۹۶)	(۲/۹)	(۱,۰۰۰)	(۱/۲)	-	-	-	-
هزینه از محل درآمد اختصاصی	۲۲,۷۱۷	۱۲/۳	۱۶,۲۸۱	۱۳	۱۲,۱۲۷	۱۱/۱	۸,۶۶۶	۹/۵	۶,۳۹۷	۷/۸	۵,۲۵۳	۹	۳,۸۲۷	۸
جمع کل	۱۵۹,۳۳۲	۱۰۰	۱۲۷,۸۱۶	۱۰۰	۱۰۹,۷۰۰	۱۰۰	۹۰,۵۸۶	۱۰۰	۸۱,۴۶۶	۱۰۰	۶۱,۱۲۴	۱۰۰	۴۶,۴۱۰	۱۰۰

۴- ردیف‌های مشترک

ردیف‌های مشترک در قانون ۱۳۷۸ حدود ۲۷/۲ درصد و در قانون بودجه ۱۳۷۹ حدود ۱۹/۷ درصد و در لایحه بودجه سال ۱۳۸۰ حدود ۱۸/۴ درصد از بودجه عمومی را تشکیل می‌دهد.

(مبالغ به میلیارد ریال)

شرح	لایحه ۱۳۸۰	درصد	قانون ۱۳۷۹	درصد	قانون ۱۳۷۸	درصد	قانون ۱۳۷۷	درصد	روش محاسبه
اعتبارات جاری	۱۹،۰۱۳	۱۸/۵	۱۷،۸۷۴	۲۱	۲۰،۳۴۶	۳۰/۸	۱۷،۲۸۷	۳۱/۲	ردیف مشترک جاری کل اعتبارات جاری
اعتبارات عمرانی	۶،۱۰۱	۱۷/۹	۴،۰۷۸	۱۵/۵	۶،۷۷۸	۲۰/۷	۷،۲۳۰	۲۴	ردیف مشترک عمرانی کل اعتبارات عمرانی
جمع	۲۵،۱۱۴	۱۸/۴	۲۱،۹۵۲	۱۹/۷	۲۷،۱۲۴	۲۷/۴	۲۴،۷۱۷	۲۹	جمع ردیف مشترک کل اعتبارات جاری و عمرانی

۵- ردیف‌های متفرقه

سهم ردیف‌های متفرقه (به صورت جرنی ازار فام فوق الذکر)

(مبالغ به میلیارد ریال)

شرح	لایحه ۱۳۸۰	درصد	قانون ۱۳۷۹	درصد	قانون ۱۳۷۸	درصد	قانون ۱۳۷۷	درصد	روش محاسبه
اعتبارات جاری	۱۴،۱۲۳	۱۳/۸	۱۳،۳۲۷	۱۵/۷	۱۸،۱۶۳	۲۷/۵	۱۵،۶۳۷	۲۸/۲	ردیف متفرقه جاری اعتبارات جاری
اعتبارات عمرانی	۵،۷۷۱	۱۷	۳،۸۱۵	۱۴/۵	۵،۱۰۹	۱۵/۶	۵،۲۸۹	۱۷/۲	اعتبارات عمرانی ردیف متفرقه عمرانی
جمع	۱۹،۸۹۴	۱۴/۶	۱۷،۱۴۳	۱۵/۲	۲۳،۲۷۲	۲۳/۵	۲۰،۹۲۶	۲۴/۴	کل اعتبارات جاری و عمرانی جمع ردیف متفرقه

۶- بودجه استان‌ها

بودجه استان‌ها جزئی از بودجه عمومی دولت است که شامل:
الف- درآمد استان‌ها و نسبت آن به درآمد عمومی

(مبالغ به میلیارد ریال)

شرح	لایحه ۱۳۸۰	درصد	قانون ۱۳۷۹	درصد	قانون ۱۳۷۸	درصد	قانون ۱۳۷۷	درصد	قانون ۱۳۷۶	درصد	قانون ۱۳۷۵	درصد	قانون ۱۳۷۴	درصد
از محل درآمدهای عمومی استانی	۱۲،۱۹۳	۸/۹	۹،۸۷۴	۹	۸،۲۹۵	۸/۵	۶،۶۴۴	۸/۱	۳،۳۵۹	۴/۴	۲،۲۸۷	۴/۱	۲،۹۱۵	۷
از محل درآمدهای عمومی ملی	۲۰،۳۴۶	۱۴/۸	۱۵،۴۴۰	۱۳/۸	۱۰،۳۶۵	۱۰/۷	۹،۳۸۰	۱۱/۲	۹،۹۴۹	۱۳/۳	۶،۱۱۹	۱۱	۵،۲۱۴	۱۲/۵
جمع	۳۲،۴۳۹	۲۳/۷	۲۵،۳۱۴	۲۲/۸	۱۸،۶۶۰	۱۹/۲	۱۶،۰۲۴	۱۹/۵	۱۳،۳۰۸	۱۷/۷	۸،۴۰۶	۱۵	۸،۱۲۹	۱۹/۵

ب- اعتبارات جاری و عمرانی استان‌ها نسبت به بودجه جاری و عمرانی کل کشور

(مبالغ به میلیارد ریال)

شرح	لایحه ۱۳۸۰	درصد	قانون ۱۳۷۹	درصد	قانون ۱۳۷۸	درصد	قانون ۱۳۷۷	درصد	قانون ۱۳۷۶	درصد	قانون ۱۳۷۵	درصد	قانون ۱۳۷۴	درصد
سهم استان‌ها از محل اعتبارات جاری	۲۵,۳۸۲	۲۴/۷	۲۱,۳۱۱	۲۵	۱۵,۴۸۰	۲۳/۴	۱۱,۷۳۶	۲۱/۲	۹,۵۷۹	۱۲/۷	۵,۹۳۹	۱۷/۸	۵,۲۸۳	۲۱/۶
سهم استان‌ها از محل اعتبارات عمرانی	۷,۰۵۷	۲۰/۷	۴,۰۲۵	۱۵/۳	۳,۲۸۰	۱۰	۲,۲۸۸	۱۳/۹	۳,۷۲۹	۵	۲,۴۶۷	۱۰۹	۲,۸۴۶	۲۲/۰
جمع	۳۲,۴۳۹	۲۳/۷	۲۵,۳۳۶	۲۲/۸	۱۸,۷۶۰	۱۹/۲	۱۶,۰۲۴	۱۹/۵	۱۳,۳۰۸	۱۷/۷	۸,۴۰۶	۱۵	۸,۱۲۹	۲۱/۸

در لایحه بودجه ۱۳۸۰، سهم استان‌ها از محل اعتبارات جاری و عمرانی نسبت به کل بودجه جاری و عمرانی در کل کشور ۲۳/۷ درصد می‌باشد که برای تأمین آن ۸/۹ درصد از محل درآمد عمومی استانی و ۱۴/۸ درصد از محل درآمدهای عمومی ملی تأمین می‌گردد.

• مبلغ ۸۰۰ میلیارد ریال مزاد درآمد استان‌ها نسبت به عملکرد سال ۱۳۷۹ براساس آیین نامه تبصره ذیل ماده ۷۶ قانون برنامه سوم توسعه از محل ردیف ۵۰۳۲۸۵ تأمین می‌گردد و حداقل ۵۰ درصد از اعتبار مذکور به مناطق روستایی و مناطق توسعه نیافته اختصاص خواهد یافت. مبلغ ۷,۰۵۷ میلیارد ریال اعتبارات عمرانی استانی شامل ۶,۷۵۲ میلیارد ریال طرح عمرانی ۱۵۰۰ میلیارد ریال و بجه اداره شده ۲۳۰ میلیارد ریال طرح تحقیقات کاربردی استان‌ها ۱۲۰ میلیارد ریال خودباری می‌باشد.

۷- ترکیب اعتبارات جاری و عمرانی در استان‌ها

(مبالغ به میلیارد ریال)

شرح	لایحه ۱۳۸۰	درصد	قانون ۱۳۷۹	درصد	قانون ۱۳۷۸	درصد	قانون ۱۳۷۷	درصد	قانون ۱۳۷۶	درصد	قانون ۱۳۷۵	درصد	قانون ۱۳۷۴	درصد
اعتبارات جاری	۲۵,۳۸۲	۷۸/۲	۲۱,۳۱۱	۸۴	۱۵,۴۸۰	۸۲/۵	۱۱,۷۳۶	۷۳/۲	۹,۵۷۹	۷۲	۵,۹۳۹	۷۱	۵,۲۸۳	۶۵
اعتبارات عمرانی	۷,۰۵۷	۲۱/۸	۴,۰۲۵	۱۶	۳,۲۸۰	۱۷/۵	۲,۲۸۸	۲۶/۸	۳,۷۲۹	۲۸	۲,۴۶۷	۲۹	۲,۸۴۶	۳۵
جمع	۳۲,۴۳۹	۱۰۰	۲۵,۳۳۶	۱۰۰	۱۸,۷۶۰	۱۰۰	۱۶,۰۲۴	۱۰۰	۱۳,۳۰۸	۱۰۰	۸,۴۰۶	۱۰۰	۸,۱۲۹	۱۰۰

۸- ترکیب درآمد در استان‌ها

(مبالغ به میلیارد ریال)

شرح	لایحه ۱۳۸۰	درصد	قانون ۱۳۷۹	درصد	قانون ۱۳۷۸	درصد	قانون ۱۳۷۷	درصد	قانون ۱۳۷۶	درصد	قانون ۱۳۷۵	درصد	قانون ۱۳۷۴	درصد
درآمد عمومی استانی	۱۲,۱۹۳	۳۷/۶	۹,۸۷۶	۳۹	۸,۲۹۵	۴۴/۲	۶,۶۲۴	۴۱/۵	۳,۲۵۹	۲۵	۲,۲۸۷	۲۷	۲,۹۱۵	۳۶
درآمد عمومی ملی	۲۰,۲۴۶	۶۲/۴	۱۵,۴۶۰	۶۱	۱۰,۴۶۵	۵۵/۸	۹,۳۸۰	۵۸/۵	۹,۹۴۹	۷۵	۶,۱۱۹	۷۳	۵,۲۱۴	۶۴
جمع	۳۲,۴۳۹	۱۰۰	۲۵,۳۳۶	۱۰۰	۱۸,۷۶۰	۱۰۰	۱۶,۰۲۴	۱۰۰	۱۳,۳۰۸	۱۰۰	۸,۴۰۶	۱۰۰	۸,۱۲۹	۱۰۰

در قانون بودجه سال ۱۳۷۸ از مبلغ ۱۸,۷۶۰ میلیارد ریال اعتبارات استان‌ها حدود ۸۲/۵ درصد را اعتبارات جاری و ۱۷/۵ درصد را اعتبارات عمرانی تشکیل می‌دهد. همچنین مبالغ تأمین هزینه‌ها حدود ۲۴/۲ درصد از محل درآمدهای عمومی استانی و ۵۵/۸ درصد از محل درآمدهای عمومی ملی می‌باشد.

در قانون بودجه سال ۱۳۷۹ از مبلغ ۲۵,۳۳۶ میلیارد ریال اعتبارات استان‌ها حدود ۸۴ درصد را اعتبارات جاری و ۱۶ درصد را اعتبارات عمرانی تشکیل می‌دهد. همچنین مبالغ تأمین هزینه‌ها حدود ۳۹ درصد از محل درآمدهای عمومی استانی و ۶۱ درصد از محل درآمدهای عمومی ملی می‌باشد.

بخش سوم: اطلاعات مربوط به سؤال‌های چهارم و پنجم

تفسیر جداول ضمیمه

رشد درآمدهای استانی در سال ۱۳۸۰ در استان مرکزی ۴۴/۱۸ درصد بوده که حدود ۲ برابر رشد درآمدهای استانی کل کشور می‌باشد. با این حال رشد درآمدهای ملی استان در لایحه بودجه ۱۳۸۰ منفی بوده (۸ درصد) و در نتیجه سهم درآمدهای استانی در دریافت‌های استانی از ۶۶/۸ درصد به ۷۱/۵۶ درصد افزایش یافته است. سهم استان در کل دریافتی‌های استانی از ۲/۳۲ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۲/۱۴ درصد در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در سال ۱۳۸۰ در استان گیلان ۲۸ درصد بوده که از متوسط رشد درآمدهای استانی کشور (۲۳/۵ درصد) بالاتر می‌باشد. همچنین رشد درآمدهای ملی استان حدود ۳۰ درصد بوده که از رشد متوسط درآمدهای ملی استان‌ها (۳۱ درصد)، پایین‌تر می‌باشد. با توجه به بالا بودن رشد درآمدهای ملی استان از رشد درآمدهای استانی، سهم درآمدهای استان در کل دریافتی‌های استان کاهش یافته و سهم درآمدهای ملی افزایش یافته است. سهم استان گیلان در کل دریافتی‌های استانی از ۳/۸۹ به ۳/۹۶ درصد افزایش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در استان مازندران در لایحه بودجه ۱۳۸۰ نسبت به مصوب ۱۳۷۹ حدود ۳۲ درصد بوده که بالاتر از متوسط کشور در این خصوص می‌باشد. همچنین رشد درآمدهای ملی استان حدود ۲۸/۴ درصد بوده که از رقم متوسط کشور پایین‌تر می‌باشد. سهم درآمدهای استانی در دریافتی‌های استان در لایحه بودجه ۱۳۸۰ نسبت به مصوب ۱۳۷۹ افزایش بسیار اندکی دارد، ولی این سهم نسبت به بودجه ۱۳۷۸ کاهش یافته است. سهم استان مازندران در کل دریافتی‌های استانی در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در استان آذربایجان شرقی حدود ۱۸ درصد بوده که پایین‌تر از متوسط کشور در این خصوص است و سهم درآمدهای استانی در دریافتی‌های استان کاهش یافته است. رشد درآمدهای ملی استان حدود ۳۰ درصد می‌باشد. سهم استان آذربایجان شرقی در کل دریافتی‌های استانی در لایحه بودجه ۱۳۸۰ کاهش یافته است. (جدول ۳)

رشد درآمدهای استانی در استان آذربایجان غربی حدود ۱۷/۵ درصد بوده که پایین تر از متوسط کشور در این خصوص است. رشد درآمدهای ملی استان بالاتر از متوسط کشور می باشد و در نتیجه سهم درآمدهای استانی در دریافتی های استانی کاهش و سهم درآمدهای ملی در دریافتی های استان افزایش یافته است. سهم استان در کل دریافتی های استانها (جدول ۳) از ۳/۷۹ درصد به ۳/۸ درصد افزایش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در استان کرمانشاه ۳۱/۴ درصد بوده که از متوسط کشور بیش تر است. رشد درآمدهای ملی استان نیز ۳۷/۵ درصد در لایحه بودجه ۱۳۸۰ می باشد. سهم استان در کل دریافتی های استانی (جدول ۳) افزایش یافته است.

در لایحه بودجه ۱۳۸۰ رشد درآمدهای استانی و ملی استان خوزستان به ترتیب برابر ۲۳/۲ و ۳۲/۴۵ درصد بوده که بدین ترتیب، رشد درآمدهای ملی استان از متوسط کشور بیش تر می باشد. سهم درآمدهای ملی در دریافت های استانی افزایش و سهم درآمدهای استانی کاهش نشان می دهد. سهم دریافت های استان خوزستان از کل دریافت های استانی افزایش یافته است (جدول ۳).

رشد درآمدهای استانی در لایحه بودجه ۱۳۸۰ در استان فارس ۴۲/۵ درصد بوده که از متوسط کشور بیش تر است. رشد درآمدهای ملی استان ۲۶/۳ درصد می باشد که از متوسط کشور پایین تر است. سهم درآمدهای استانی در دریافتی های استان در سال ۱۳۸۰ نسبت به مصوب ۱۳۷۹ افزایش نشان می دهد. سهم استان در کل دریافتی های استانی (جدول ۳) افزایش یافته است.

در لایحه بودجه ۱۳۸۰ رشد درآمدهای استانی در استان کرمان ۱۴/۳ درصد می باشد که از متوسط کشور کم تر است. رشد درآمدهای ملی در استان کرمان ۳۲ درصد است و در نتیجه سهم درآمدهای استانی در دریافتی های استان کاهش و سهم درآمدهای ملی افزایش یافته است. سهم استان در لایحه بودجه ۱۳۸۰ در کل دریافتی های استانها (جدول ۳) کاهش یافته است.

رشد درآمدهای استانی و ملی در لایحه بودجه ۱۳۸۰ در استان خراسان به ترتیب ۳۴ و ۳۲ درصد بوده که از متوسط کشور بیش تر است. سهم استان در کل دریافتی های استانی

(جدول ۳) افزایش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در لایحه بودجه ۱۳۸۰ در استان اصفهان ۳۲ درصد بوده که از متوسط کشور بیش تر است. رشد درآمدهای ملی استان منفی بوده، اما این رشد در سال ۱۳۷۹ نسبت به سال ۱۳۷۸ رشد بسیار بالایی داشته است. سهم درآمدهای استانی در دریافتی های استان افزایش یافته است. سهم استان اصفهان در کل دریافتی های استان ها در لایحه بودجه ۱۳۸۰ کاهش داشته است.

رشد درآمدهای استانی در لایحه بودجه ۱۳۸۰ در استان هرمزگان ۲۲ درصد بوده که پایین تر از متوسط کشور است. همچنین رشد درآمدهای ملی ۳۶/۱ درصد بوده که از متوسط کشور بیش تر است. سهم درآمدهای استانی در دریافتی های استان کاهش و سهم درآمدهای ملی افزایش یافته است. سهم استان در کل دریافتی های استانی افزایش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در لایحه بودجه ۱۳۸۰ در استان سیستان و بلوچستان ۴۳ درصد بوده که از متوسط کشور بیش تر است. رشد درآمدهای ملی نیز ۲۹/۴ درصد است. سهم درآمدهای استانی به کل دریافتی های استان در لایحه بودجه ۱۳۸۰ نسبت به مصوب ۱۳۷۹ افزایش یافته است. سهم استان در کل دریافتی های استانی (جدول ۳) افزایش نشان می دهد. سهم استان در کل دریافتی های استانی (جدول ۳) افزایش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در استان کردستان در لایحه بودجه ۱۳۸۰ حدود ۲۸/۳ درصد می باشد که از متوسط کشور بیش تر است. رشد درآمدهای ملی استان نیز ۳۳/۵ درصد بوده که این رشد نیز از متوسط رشد کشور بالاتر است. سهم استان در کل دریافتی های استان در لایحه بودجه ۱۳۸۰ (جدول ۳) افزایش نشان می دهد.

رشد درآمدهای استانی در استان همدان در لایحه بودجه ۱۳۸۰ حدود ۹/۸۷ درصد می باشد که بسیار کم تر از متوسط کشور است. رشد درآمدهای ملی در استان ۳۸/۶ درصد بوده است. سهم درآمدهای استانی در کل دریافتی های استان کاهش و سهم درآمدهای ملی افزایش یافته است. سهم استان در کل دریافتی های استانی (جدول ۳) افزایش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در استان لرستان (در لایحه بودجه ۱۳۸۰) حدود ۲۹/۴ بوده که از متوسط کشور بیش تر است. رشد درآمدهای ملی استان نیز از متوسط کشور بالاتر بوده و

سهم استان در کل دریافتی های استانی (جدول ۳) افزایش یافته است. (از ۲/۹۶ به ۳/۰۹ درصد رسیده است).

در استان ایلام رشد درآمدهای استانی و درآمدهای ملی استان به ترتیب حدود ۳۵/۲ و ۴۳/۸ درصد می باشد که از متوسط کشور پیش تر است و در نتیجه، سهم استان در کل دریافتی های استانی (جدول ۳) افزایش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در استان زنجان در لایحه بودجه ۱۳۸۰ حدود ۱۴/۴ درصد می باشد که از متوسط کشور کم تر می باشد. رشد درآمدهای ملی در استان زنجان تقریباً برابر با رشد متوسط کشور است. سهم استان در کل دریافتی های استانی به دلیل پایین بودن رشد درآمدهای استانی (جدول ۳) کاهش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در لایحه بودجه ۱۳۸۰ در استان چهارمحال و بختیاری ۱۹/۷ درصد بوده که از متوسط کشور کم تر است. رشد درآمدهای ملی در استان حدود ۳۸/۴ درصد می باشد که از متوسط کشور بالاتر است. در نتیجه سهم درآمدهای ملی در دریافتی های استان افزایش و سهم درآمدهای استانی کاهش یافته است. سهم استان در کل دریافتی های استانی (جدول ۳) به دلیل رشد درآمدهای ملی استان، افزایش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در لایحه بودجه ۱۳۸۰ در استان کهگیلویه و بویراحمد ۵۰/۴۸ درصد می باشد که از دو برابر متوسط کشور نیز بیش تر می باشد. همچنین رشد درآمدهای ملی نیز حدود ۳۷/۷ درصد است که از رقم متوسط کشور بیشتر است و در نتیجه سهم استان در کل دریافتی های استان ها افزایش نشان می دهد.

رشد درآمدهای استانی و درآمدهای ملی در لایحه بودجه ۱۳۸۰ در استان سمنان به ترتیب حدود ۴۰/۳ و ۳۶/۶ درصد می باشد که از متوسط کشور پیش تر است و در نتیجه، سهم استان در کل دریافتی های استان ها افزایش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در لایحه بودجه ۱۳۸۰ در استان یزد حدود ۲۳/۴ درصد می باشد که تقریباً برابر با رشد متوسط کشور است. رشد درآمدهای ملی استان نیز ۲۹/۱ درصد است که از متوسط کشور کم تر است. در نتیجه، سهم استان یزد در کل دریافتی های استانی (جدول ۳) کاهش اندکی داشته است.

در لایحه بودجه ۱۳۸۰ رشد درآمدهای استانی در استان بوشهر ۹۳/۶ درصد می باشد که بیش تر از ۳ برابر متوسط کشور (۲۳/۵ درصد) است. رشد درآمدهای ملی استان ۳۰/۷ درصد است که تقریباً برابر رشد متوسط کشور است. سهم استان در دریافتی های کل استانی (جدول ۳) به اتکای منابع داخلی (درآمدهای استانی)، افزایش یافته است. همچنین سهم درآمدهای استانی در دریافتی های استان افزایش نشان می دهد (جدول ۲).

در لایحه بودجه ۱۳۸۰ رشد درآمدهای استانی و ملی در استان اردبیل به ترتیب ۳۴/۴ و ۳۳/۵ درصد می باشد که از رشد متوسط کشور بیش تر است. در نتیجه سهم استان در کل دریافتی های استانی افزایش یافته است.

رشد درآمدهای استانی در استان قم در لایحه بودجه ۱۳۸۰ حدود ۲۳/۸ درصد می باشد که تقریباً برابر متوسط کشور است. رشد درآمدهای ملی استان ۴۲/۷ درصد است که از رقم متوسط کشور بیش تر می باشد. در نتیجه سهم درآمدهای استانی در دریافتی های استانی کاهش و سهم درآمدهای ملی افزایش یافته است. سهم استان قم در کل دریافتی های استانی (جدول ۳) به اتکای افزایش درآمدهای ملی در لایحه بودجه ۱۳۸۰، افزایش نشان می دهد. رشد درآمدهای استانی در استان تهران در لایحه بودجه ۱۳۸۰ حدود ۴/۹ درصد می باشد که از متوسط کشور بسیار پایین تر است. رشد درآمدهای ملی استان تهران حدود ۳۹ درصد است که از متوسط کشور بیش تر می باشد. سهم دریافت های تهران در کل دریافتی های استان ها در لایحه بودجه ۱۳۸۰ کاهش یافته است (جدول ۳).

در لایحه بودجه ۱۳۸۰ رشد درآمدهای استانی در استان قزوین حدود ۳۱/۹ درصد می باشد که از متوسط کشور بیش تر می باشد. رشد درآمدهای ملی استان حدود ۳/۹۹ درصد بوده که پایین تر از متوسط کشور می باشد. سهم دریافت های استان قزوین در کل دریافت های استان ها در لایحه بودجه ۱۳۸۰ کاهش یافته است (جدول ۳).

در لایحه بودجه ۱۳۸۰ رشد درآمدهای استانی و ملی استان گلستان به ترتیب حدود ۲۹/۷ و ۳۳/۸ درصد بوده که از متوسط کشور بیش تر می باشد و در نتیجه سهم استان در کل دریافتی های استانی افزایش یافته است.

جدول ۱- بودجه استانی ۱۳۸۰-۱۳۷۸

(ارقام به میلیون ریال)

نام استان	سال ۱۳۷۸ دریاقت‌ها از محل			سال ۱۳۷۹ دریاقت‌ها از محل			سال ۱۳۸۰ دریاقت‌ها از محل		
	درآمدهای استانی	درآمدهای ملی	جمع	درآمدهای استانی	درآمدهای ملی	جمع	درآمدهای استانی	درآمدهای ملی	جمع
مرکزی	۲۹۱۳۳۲.۷	۱۲۴۴۲۰.۵	۴۱۵۷۵۳.۲	۲۲۵۱۳۷.۸	۲۱۵۰۴۰.۴	۴۴۰۱۷۷.۲	۲۲۵۱۳۷.۸	۲۱۵۰۴۰.۴	۴۴۰۱۷۷.۲
گیلان	۲۶۹۸۶۹.۲	۶۶۰۱۲۸.۷	۳۳۵۹۹۷.۹	۳۰۳۷۱۳.۳	۶۸۹۴۲۸.۷	۷۲۹۷۹۷.۸	۳۰۳۷۱۳.۳	۶۸۹۴۲۸.۷	۷۲۹۷۹۷.۸
مازندران	۳۴۶۳۳۸.۷	۵۳۸۵۹۲.۹	۸۸۴۹۳۱.۶	۳۷۱۱۹۸.۴	۸۵۸۱۹۹.۹	۱۲۲۹۳۸.۳	۳۷۱۱۹۸.۴	۸۵۸۱۹۹.۹	۱۲۲۹۳۸.۳
آذربایجان شرقی	۵۵۶۱۸۸.۵	۳۵۱۵۱۹.۷	۵۹۱۳۴۰.۲	۵۹۵۸۳۳.۷	۶۵۶۵۶۵.۴	۱۲۵۲۴۰۰.۱	۵۹۵۸۳۳.۷	۶۵۶۵۶۵.۴	۱۲۵۲۴۰۰.۱
آذربایجان غربی	۵۲۶۹۸	۴۵۱۲۶۸.۳	۴۵۶۹۳۶.۱	۲۷۸۵۰۷	۶۸۲۱۹۵.۲	۷۱۰۰۴۵.۲	۲۷۸۵۰۷	۶۸۲۱۹۵.۲	۷۱۰۰۴۵.۲
کرمانشاه	۱۳۸۱۶۶.۴	۳۷۳۵۰۰.۱	۵۱۱۶۶۶.۵	۱۳۵۶۶۵.۵	۷۰۵۶۹۸.۱	۱۳۵۶۶۵.۵	۱۳۵۶۶۵.۵	۷۰۵۶۹۸.۱	۱۳۵۶۶۵.۵
خوزستان	۳۷۹۵۹۲.۷	۶۱۵۹۰۷.۸	۴۴۱۱۰۰.۵	۶۴۳۵۶۷.۸	۹۲۴۹۲۲.۴	۱۲۹۵۵۰۱	۶۴۳۵۶۷.۸	۹۲۴۹۲۲.۴	۱۲۹۵۵۰۱
فارس	۴۹۷۱۶۴.۱	۷۵۴۳۳۵.۵	۱۲۵۳۵۱۰	۵۶۶۶۰۴	۱۱۳۹۲۴۴	۱۲۵۳۵۱۰	۵۶۶۶۰۴	۱۱۳۹۲۴۴	۱۲۵۳۵۱۰
کرمان	۲۶۱۷۶۲.۷	۵۴۳۰۳۹.۴	۳۱۶۰۰۲.۱	۳۵۰۱۱۹.۷	۱۰۸۲۶۴۳	۳۵۰۱۱۹.۷	۳۵۰۱۱۹.۷	۱۰۸۲۶۴۳	۳۵۰۱۱۹.۷
خراسان	۷۱۷۵۱	۱۱۲۰۹۲۵	۱۸۳۶۷۶	۸۱۰۲۰۵۵	۱۶۸۳۲۷۷	۸۱۰۲۰۵۵	۸۱۰۲۰۵۵	۱۶۸۳۲۷۷	۸۱۰۲۰۵۵
اصفهان	۱۱۵۴۴۷.۲	۶۵۴۳۲.۷	۱۲۲۴۹۰.۹	۱۰۴۲۱۷.۲	۵۵۳۰۳۴.۲	۱۰۴۲۱۷.۲	۱۰۴۲۱۷.۲	۵۵۳۰۳۴.۲	۱۰۴۲۱۷.۲
هرمزگان	۱۷۹۶۴۱.۳	۱۸۵۹۶۶.۳	۳۶۵۶۰۷.۶	۱۹۶۰۹۲	۳۰۳۲۸.۷	۱۹۶۰۹۲	۳۶۵۶۰۷.۶	۱۸۵۹۶۶.۳	۳۶۵۶۰۷.۶
سیستان و بلوچستان	۹۵۹۱۵۹	۴۳۷۱۳۸.۸	۱۳۹۶۳۲.۷	۱۱۳۰۷۷.۲	۶۲۷۸۵۲.۷	۱۱۳۰۷۷.۲	۱۱۳۰۷۷.۲	۶۲۷۸۵۲.۷	۱۱۳۰۷۷.۲
کردستان	۷۹۴۵۰۸	۴۳۲۱۸۹.۵	۵۰۱۶۴۰.۳	۷۸۸۵۲.۹	۵۲۳۸۸۸.۲	۵۰۱۶۴۰.۳	۷۸۸۵۲.۹	۵۲۳۸۸۸.۲	۵۰۱۶۴۰.۳
همدان	۱۵۸۹۵۲.۹	۳۳۷۱۳۱.۲	۲۰۰۸۲.۱	۱۳۵۸۳۳.۸	۵۳۴۱۵.۴	۱۳۵۸۳۳.۸	۲۰۰۸۲.۱	۲۰۰۸۲.۱	۲۰۰۸۲.۱
لرستان	۱۰۳۶۸۷.۳	۴۲۰۲۹۷.۳	۱۴۵۷۱۷.۶	۱۲۷۶۵۵.۶	۶۲۲۴۴.۴	۱۴۵۷۱۷.۶	۱۲۷۶۵۵.۶	۶۲۲۴۴.۴	۱۴۵۷۱۷.۶
ایلام	۳۲۱۸۶.۴	۲۳۵۰۴۸.۷	۲۶۷۲۳۵.۱	۳۷۸۸	۲۲۹۶۴.۴	۳۷۸۸	۲۶۷۲۳۵.۱	۲۲۹۶۴.۴	۳۷۸۸
زنجان	۱۱۴۴۸۲.۷	۱۸۲۷۶۶.۵	۲۹۷۲۴۹.۳	۱۱۹۵۳۶.۸	۲۹۷۲۴۹.۳	۲۹۷۲۴۹.۳	۱۸۲۷۶۶.۵	۲۹۷۲۴۹.۳	۲۹۷۲۴۹.۳
چهارمحال و بختیاری	۵۵۸۱۷.۶	۲۵۳۴۲.۲	۳۰۹۲۷۹.۸	۶۲۰۱۷.۵	۳۴۴۱۵۵.۶	۶۲۰۱۷.۵	۳۰۹۲۷۹.۸	۳۴۴۱۵۵.۶	۶۲۰۱۷.۵
کهگیلویه و بویراحمد	۲۱۸۹۳.۵	۲۳۶۸۱۹.۵	۲۸۸۷۱۴	۲۱۵۰۵	۳۵۳۵۵.۶	۲۱۵۰۵	۲۸۸۷۱۴	۳۵۳۵۵.۶	۲۱۵۰۵
سمنان	۸۰۲۱۰	۱۵۳۴۴۳.۳	۲۳۶۵۴.۳	۸۷۶۲۸.۸	۲۲۵۴۴.۴	۸۷۶۲۸.۸	۲۳۶۵۴.۳	۲۲۵۴۴.۴	۸۷۶۲۸.۸
یزد	۱۶۷۳۴۴.۳	۱۵۲۷۲۷.۵	۳۲۰۰۷۱.۸	۱۸۵۲۹۲.۳	۲۵۶۵۷۷.۳	۳۲۰۰۷۱.۸	۱۸۵۲۹۲.۳	۲۵۶۵۷۷.۳	۳۲۰۰۷۱.۸
بوشهر	۷۹۲۷۴	۲۳۵۱۶۶.۷	۲۳۴۴۰۰.۸	۱۰۹۴۶۱.۷	۳۳۴۴۲.۸	۱۰۹۴۶۱.۷	۲۳۴۴۰۰.۸	۳۳۴۴۲.۸	۱۰۹۴۶۱.۷
اردبیل	۷۹۰۱۸۵	۲۸۲۷۶۱.۱	۳۶۳۷۷۹.۷	۸۲۷۱۹.۵	۲۳۰۰۸.۷	۸۲۷۱۹.۵	۳۶۳۷۷۹.۷	۲۳۰۰۸.۷	۲۳۰۰۸.۷
قم	۱۰۸۷۰۴.۴	۱۱۵۲۰۰.۵	۲۲۳۹۰۵	۱۲۰۲۰۴.۸	۱۹۳۸۵۷.۳	۱۲۰۲۰۴.۸	۲۲۳۹۰۵	۱۹۳۸۵۷.۳	۱۲۰۲۰۴.۸
تهران	۱۴۷۰۹۹۳	۸۴۶۸۸۶.۷	۳۳۱۷۸۸۰	۲۵۰۲۷۶۵	۶۱۳۳۸۲.۵	۲۵۰۲۷۶۵	۳۳۱۷۸۸۰	۶۱۳۳۸۲.۵	۲۵۰۲۷۶۵
قزوین	۱۷۶۹۸۸.۷	۱۱۱۱۰۶.۲	۲۸۸۰۹۴	۷۶۹۵.۶	۳۹۹۵۷.۶	۷۶۹۵.۶	۲۸۸۰۹۴	۳۹۹۵۷.۶	۷۶۹۵.۶
گلستان	۸۲۴۲۱.۱	۳۵۱۵۷۲.۳	۲۳۳۱۹۳.۵	۹۹۱۲۷	۵۰۹۳۵۸.۹	۹۹۱۲۷	۲۳۳۱۹۳.۵	۵۰۹۳۵۸.۹	۹۹۱۲۷
جمع کل	۸۲۹۵۵۱۵	۱۰۳۴۲۸۷۶	۱۸۷۶۰۳۹۱	۹۸۷۰۶۰۴	۱۵۶۶۵۷۳	۹۸۷۰۶۰۴	۱۸۷۶۰۳۹۱	۱۵۶۶۵۷۳	۹۸۷۰۶۰۴

۱- ارقام بودجه استانی خوزستان در پیرست شماره ۲ لایحه بودجه ۱۳۸۰ موجود نمی‌باشد.

۲- جمع کل با محاسبه حذف شده استان خوزستان درج گردیده است.

جدول ۲- سهم درآمدهای استانی و ملی در کل دریافت‌های هر استان (درصد)

سهم درآمدهای استانی در دریافت‌های استان			سهم درآمدهای ملی در دریافت‌های استان			نام استان
۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	
۷۱/۵۶	۶۱/۶۲	۶۶/۸۵	۲۸/۲۲	۳۸/۳۸	۳۳/۱۵	مرکزی
۳۰/۳۶	۳۰/۶۵	۳۶/۸۷	۶۹/۶۲	۶۹/۳۵	۶۳/۰۳	گیلان
۳۰/۷۵	۳۰/۱۹	۴۰/۳۵	۶۹/۲۵	۶۹/۸۱	۵۹/۶۵	مازندران
۴۵/۲۲	۴۷/۵۸	۶۱/۲۷	۵۲/۸۸	۵۲/۲۲	۴۸/۷۳	آذربایجان شرقی
۲۶/۵۷	۲۸/۹۹	۳۵/۸۵	۷۳/۳۳	۷۱/۰۱	۶۶/۱۵	آذربایجان غربی
۱۵۵/۲	۱۶/۱۲	۲۲/۵۹	۸۴/۲۸	۸۳/۸۸	۷۷/۴۱	کرمانشاه
۳۹/۳	۴۱/۰۳	۵۲/۲۶	۶۰/۷	۵۸/۹۷	۴۷/۵۴	حوزستان
۳۵/۹۶	۳۳/۲۲	۳۹/۶۶	۶۴/۰۶	۶۶/۸۸	۶۰/۳۶	فارس
۲۹/۳۵	۳۲/۳۶	۳۲/۵۳	۷۰/۷۵	۶۷/۶۶	۶۷/۴۷	کرمان
۳۲/۸۲	۳۲/۲۹	۳۹/۰۴	۶۷/۱۸	۶۷/۵۱	۶۰/۹۶	خراسان
۷۲/۲۷	۶۵/۵۹	۹۲/۶۶	۲۷/۷۳	۳۲/۴۱	۵۳/۳۲	اصفهان
۳۴/۷۲	۳۹/۲۷	۴۹/۱۴	۶۳/۲۸	۶۰/۷۳	۵۰/۸۶	هرمزگان
۱۶/۶	۱۵/۲۶	۱۷/۹۹	۸۳/۶	۸۲/۷۴	۸۲/۰۱	سیستان و بلوچستان
۱۲/۳۵	۱۲/۶۸	۱۷/۹۵	۸۷/۷۵	۸۷/۳۲	۸۲/۰۵	کردستان
۱۷/۸۳	۲۱/۵	۳۲/۰۴	۸۲/۱۷	۷۸/۵	۶۷/۹۶	همدان
۱۶/۴۳	۱۷	۱۹/۰۵	۸۳/۵۷	۸۳	۸۰/۹۵	لرستان
۹/۷۸۴	۱۰/۳۶	۱۲/۰۴	۹۰/۲۲	۸۹/۶۶	۸۷/۹۶	ایلام
۲۵/۹۹	۲۸/۶۵	۳۸/۵۱	۷۲/۰۱	۷۱/۳۵	۶۱/۴۹	زنجان
۱۳/۲	۱۴/۹۵	۱۸/۰۵	۸۶/۸	۸۵/۰۵	۸۱/۹۵	چهارمحال و بختیاری
۱۱/۳۲	۱۰/۲۶	۱۴/۵۱	۸۸/۶۸	۸۹/۵۴	۸۵/۴۹	کهگیلویه و بویراحمد
۲۸/۱۶	۲۷/۶۳	۳۶/۳۳	۷۱/۸۴	۷۲/۳۷	۶۵/۶۷	سمنان
۲۰/۸۳	۴۱/۹۳	۵۲/۲۸	۵۹/۱۷	۵۸/۰۷	۴۷/۷۲	یزد
۳۲/۳۶	۴۴/۳۹	۴۴/۴۳	۶۷/۶۶	۷۵/۶۱	۷۵/۵۷	بوشهر
۱۶/۲۱	۱۶/۱۲	۲۱/۷۲	۸۳/۷۹	۸۳/۸۸	۷۸/۲۸	اردبیل
۳۴/۹۹	۳۸/۲۷	۴۸/۵۵	۶۵/۰۱	۶۱/۷۳	۵۱/۲۵	قم
۷۵/۲۸	۸۰/۳۲	۶۳/۶۶	۲۴/۵۲	۱۹/۶۸	۳۶/۵۲	تهران
۸۳/۳۱	۷۹/۷۴	۶۱/۴۳	۱۶/۶۹	۲۰/۲۶	۳۸/۵۷	فروین
۱۵/۸۷	۱۶/۲۹	۱۹/۰۳	۸۴/۱۳	۸۳/۷۱	۸۰/۹۷	گلستان
۳۷/۵۹	۳۸/۹۶	۴۴/۲۲	۶۲/۴۱	۶۱/۰۴	۵۵/۷۸	میانه‌گین

(درصد)

جدول ۴- رشد درآمدهای استانی در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۰

نام استان	رشد درآمدهای استانی		رشد درآمدهای ملی استان		رشد دریافت‌های کل استان	
	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۸۰
مرکزی	۱۷۵	۲۲۰۸	۳۸/۸	-۸	۳۸/۲	۲۴/۲
گیلان	۱۲/۹	۲۷/۹۹	۲۹/۸	۲۹/۷	۲۹/۲	۲۹/۲
مازندران	۱/۸۸	۳۱/۷۹	۵۹/۳	۲۸/۲	۲۹/۲	۲۹/۲
آذربایجان شرقی	۷/۱۲	۱۷/۹۶	۸۶/۸	۲۹/۷	۳۸	۲۴/۱
آذربایجان غربی	۱۰/۲	۱۷/۵۲	۵۰/۸	۳۲/۶	۲۶/۳	۲۸/۳
کرمانشاه	-۱/۸۲	۳۱/۶۱	۲۹/۱	۳۷/۵	۳۷/۶	۳۶/۶
حوزستان	-۵/۳	۲۳/۲	۵۰/۲	۳۲/۵	۲۱/۱	۲۸/۶
فارس	۱/۲	۲۲/۲۸	۵۰/۶	۲۶/۳	۲۶/۱	۳۱/۷
کرمان	۳/۸	۱۲/۲۸	۳۲/۹	۳۲/۱	۳۲/۵	۲۶/۶
خراسان	۱۲/۹	۳۲/۰۳	۵۰/۲	۳۲/۱	۳۵/۶	۳۲/۷
اصفهان	-۹/۰۸	۳۱/۷۵	۷۲/۵	-۳/۶	۳۱/۲	۱۹/۶
هرمزگان	۹/۱۶	۲۲/۱۳	۶۳/۱	۳۶/۱	۳۶/۶	۳۰/۶
سیستان و بلوچستان	۱۷/۹	۲۳	۲۳/۶	۲۹/۲	۳۹	۳۱/۵
کردستان	-۰/۷۵	۲۸/۳۱	۲۹/۵	۳۳/۵	۲۰/۵	۳۲/۸
همدان	-۸/۲۵	۹/۸۷۳	۵۸	۳۸/۶	۳۲/۲	۳۲/۲
لرستان	۲۲/۹	۲۹/۲۳	۶۱/۳	۳۲/۸	۳۷/۸	۳۳/۹
ایلام	۱/۸	۳۵/۲۲	۲۰/۲	۲۲/۸	۳۷/۵	۲۲/۹
زنجان	۲/۴۱	۱۲/۳۷	۶۲/۸	۳۰/۸	۲۰/۳	۲۶/۱
چهارمحال و بختیاری	۱۲/۷	۱۹/۶۷	۲۳/۷	۳۸/۲	۳۸/۲	۳۵/۶
کهگیلویه و بویراحمد	-۰/۹۳	۵۰/۴۸	۲۲	۳۷/۷	۳۷/۵	۳۹
سمنان	۹/۲۵	۲۰/۲۷	۲۹/۶	۳۶/۶	۳۵/۷	۳۷/۶
یزد	۱۰/۷	۲۳/۲	۶۸	۲۹/۱	۳۸/۱	۲۶/۷
بوشهر	۳۸/۳	۹۳/۶۲	۳۸/۶	۳۰/۷	۳۸/۵	۲۶
اردبیل	۲/۶۸	۳۲/۲	۵۱/۱	۳۳/۵	۲۱	۳۳/۷
قم	۱۰/۶	۲۳/۸۲	۶۸/۳	۲۲/۷	۲۰/۳	۳۵/۵
تهران	۷۰/۱	۲/۸۹۷	-۲۷/۶	۳۹	۳۲/۲	۱۱/۶
قزوین	۷/۱۲	۳۱/۹	-۳۰/۷	۳۹۹	۳۱/۹	۲۶/۲
گلستان	۲۰	۲۹/۶۹	۲۲/۹	۳۳/۸	۲۰/۱	۳۳/۱
جمع کل	۱۹	۲۳/۵۳	۲۷/۸	۳۰/۹	۳۵/۱	۲۸